



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آیین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۵۲

صفحه ۴۳۲۶

شنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۲۸

میزبند محمد ششمی

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۹۹

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

بقیه صورت مشروح مذاکرات صد و پنجاه و هفتمین
جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۳
۲ - آگهی های رسمی » ۱۵

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

- ۱ - اقتراح شعب
- ۲ - بقیه استیضاح آقای حائری زاده
- ۳ - پاسخ دو نفر از آقایان وزراء
- ۴ - تعیین موقع و دستور جلسه آینده

حسن مکرّم • صاحب دیوانی

شعبه دوم • آقایان: صاحب جمع. جواد گنجی
سلطان العلماء • سزاوار • ابوالفضل حاذقی •
امامی اهری • فاضلی • سالار بهزادی • عباسی •
نورالدین امامی • کهید • قوامی • دکتر آشتیانی •
ملک پور • امیر تیمور • صدر زاده • عباس
مسعودی • اردلان • حاج آقا رضا رفیع •
رحیمیان •

شعبه سوم - آقایان: عامری • مهندس خسرو
هدایت • فرج الله آصف • دکتر مجتهدی • برزین
دکتر مصباح زاده • احمد دهقان • دکتر جلال عبده • دکتر
متین دفتری • دکتر فلسفی • حسین وکیل • کشاورز
صدر • هراتی • ابوالحسن صادقی • ملکعی •
تولیت • ابوالقاسم امنی • لاهوتی • نواب یزدی •
ونوق •

رئیس - ملت شعب منقضى شده اجازه بدهید
بحکم قرعه حالا معین بشود چون دو سه روز است
که منقضى شده است (نمایندگان صحیح است) یکی هم
موضوع ناظر بانک است که باید در اولین جلسه
اردیبهشت تعیین شود آنهم چند جلسه است که بعقب
افتاده و باید در جلسه آینده پس از کار استیضاح
انجام شود (نمایندگان صحیح است) حالا شروع میکنیم
باقتراح شعب •

(اقتراح شعب بترتیب زیر بعمل آمد)
شعبه اول • آقایان ابوالفتح دولتشاهی • عزت الله
بیات • آشتیانی زاده • ناصر الدین ناصری •
محمد حسین قشقائی • هاشم وکیل • وکیللی •
امیر حسین ظفری • محمد آخوندجرجانی • علی اقبال •
مهدی مشایخی • موسوی • ملک مدنی • ابوالحسن حائری
زاده • ظفری • دکتر امینی • آقاخان بختیار • دکتر معظمی

شعبه چهارم - آقایان: مهدی ارباب • امیر
نصرت اسکندری • محمد علی دادور • حسین مکی
• ابوالفتح قهرمان • رضا حکمت • اعزاز نیک پی
• بدین اسفندیاری • صفا امامی • قبادیان • ضیاء
ابراهیمی • عرب شیبانی • افشار • شهاب خسروانی • مهدی
باتمانقلیچ • احمد اخوان • اورنگ • سلمان اسدی • احمد
فرامرزی • محمود محمود •

شعبه پنجم - آقایان: سید حسن تقی زاده •
شریعت زاده • سلطانی • شیخ الاسلامی • علیمحمد
غضنفری • پالیزی • دکتر رضازاده شفق • علی نهجانی
مامقانی • حبیب الله امین • محمد تقی خوئی • اسلامی
دکتر اعتبار • ابوالحسن رضوی • دکتر ملکی •
نبوی • لیقوانی • عبدالحسین نیک پور • ارباب گیو •
نراقی • بوداغیان •

شعبه ششم • آقایان: دکتر طباطبائی • محمد علی مسعودی •
ناصر ذوالفقاری • افخمی • دکتر راجی • بهادری •
عزیز اعظم زنگنه • مسعود تابتی • فولادوند • ابوالقاسم
بهجهانی • دکتر بقائی • عدل اسفندیاری • محسن گنابادی
محمد علی منصف • صفوی • کامل ماگومی • معین زاده •
باقری • محمد ذوالفقاری • جعفر کفائی • عبدالقادر •
آزاد •

۴. بقیه استیضاح آقای حائری زاده

رئیس - عده برای رأی کافی نیست که دو نفر
نمایند از طرف مجلس برای نظارت در اندوخته بانک
معین بشود بنابراین آقای حائری زاده بیانات خود
را ادامه میدهند •

حائری زاده دولت هم نیامد رئیس الوزرا نیستند .

رئیس - آژان می آیند شروع بفرماید .

اردلان - وزرای مشاور هستند .

حائری زاده - بنده عقیده باطاله کلام ندارم خیلی علاقه دارم مختصر عرایض خود را بعرض آقایان برسانم ولی تصدیق خواهید فرمود الکلام بجز الکلام این فرمایشاتی که آقایان میفرمایند من ناچار هستم توضیحاتی برای رفع سوء تفاهم بدم و خواهش من این است که عرایض بنده را استماع بکنند هر چه بر خلاف حقیقت بود بعد جواب بدهند قطع کلام نکنند بگذارند مطالب من باتمام برسد یک موضوع دیگری که یادم است قبلا عرض بکنم میخواستم سوچه تفاهم نشود که بنده در جلسه سابق راجع به زردشتی و مسلمان در یزد عرض کردم این اختلاف زردشتی و مسلمان نیست زردشتی و مسلمان همیشه با هم برادر دوست رفیق ، شریک بوده (صحیح است) و باهم کار کرده و میکنند (صحیح است) در قانون دوره اول مشروطیت ما که انتخابات صنفی بوده طبقاتی در آنجا بود که اگر مراجعه بفرمایید هیچ کلمه ای که حاکی و مشعر بر ملل متنوعه باشد در آن قانون نیست همه جزء ملت ایرانند و در آب و خاک باهم شریک هستند و باید در حدود مقررات مملکتی خودشان باهم تشریک مساعی کنند و ماشین مملکت را بچرخانند حالا این سمن پاشی را در چه موقع کرده اند بقیه من دست خارجی در اینکار بوده که آمده و خواسته ملل متنوعه را از یکدیگر جدا کند و انتخابات دو درجه در موقعی که مجلس نبوده و آن قانون را لغو کرده بودند و یک قانون جدیدی هم از مجلس نگذاشته بود آمده اند آن ملل متنوعه را در آنجا اسم برده اند و در این مملکت هم وقتی یک سابقه بد پیدا شد در دوره های بعد هم تغییری در این قسمت داده نشد من خیلی سعی کردم که در انتخابات اطاق تجارت ، در انتخابات انجمن های شهرداری این اختلاف دو دستگی دیگر ایجاد نشود و همه در کارهای مملکتی و اجتماعی مملکتشان تشریک مساعی کنند و این آئین نامه ای که دولت برای مجلس سنا آورده است بمجلس وقتی من دیدم ، دیدم این نکته راز عایت کرده اند و ملت علیحدگی ای درست نکرده اند چون همه ملت ایران هستند همه شان از یک ملتند و باید در امر مملکت شرکت بکنند فرقی نیست مقصود من از مطالبی که عرض کردم دوسیه سازی دولت است که در این مملکت قیاحت دوسیه سازی و گزارش خلاف واقع کم کم از بین رفته است و بیست و پنج شش سال عادت کرده اند اگر یک عضو مادونی بدون اینکه مافوق تصریح بکنند حس بکنند که تمایل دارد علیه فلانی گزارشی بدهند این برای خوش مشرود میکند چیز های دروغ گزارش میدهند (عده ای از نمایندگان - صحیح است)

یک از مطالبی که باید اسم ببرم این موضوع زردشتی مسلمان شدن و این موضوع یزد بود که هیچ ارتباطی باختلاف بین زردشتی و مسلمان ندارد و من متألمم که برای ارباب گویو سوء تفاهم شد که یک حرفهای زده شد در اینجا در صورتیکه همچو چیزی هیچ منظور و مقصود در بین نبوده است (ارباب گویو - عرض خواهد کرد) مطالبی را که سابقاً عرض کردم خلاصه این بود که عقاید مختلفی راجع بقانون اساسی

بین مردم هست بعضی معتقدند که آن چیزی که مربوط بدیانت است کم نوشته شده باید بیشتر بنویسند بعضی معتقدند که برای اصول اجتماعی این فاصله بین طبقات که خیلی زیاد شده اینها باید نزدیک بشوند بهم دیگر در قانون اساسی ما پیش بینی نشده است یک موادی راجع به حداقل معیشت و حداکثر مابملک مقتضی بود در قانون بنویسند بعضی هم اینطور عقیده دارند بعضی دیگر هم عقاید دیگری دارند ما وارد بحث نمیشوم ما بعنوان برسر این بود که آن مرجع صالحی که حق دارد در این باره مذاکره کند و تصمیم بگیرد کجاست ؟ کیست ؟ در این تردیدی نیست که قوانین اساسی دنیا مخلوق اراده ملت آن مملکتی است که آن قانون در آنجا تنظیم شده است قانون اساسی را بیک ملتی تحمیل نمیکنند اراده اوست که برای مزدورهای خودش ، کسانیکه از خزانه او حقوق میکینند تکالیف آنها را در آن قانون تعیین میکند . آقایان نمایندگان شما که بنام ملت میآید حرف میزنید حدود شما چیست ؟ آقایان وزراء شما که مأمور اجرای قوانین هستید حدود حقوق شما چیست ؟ آن صاحب خانه واقعی که ملت باشد حدود و حقوق هر کسی را معلوم میکند در اطراف این موضوع صحبت بود کم کم بخیرایی دستگاه رسید رسیدیم بانتخابات که ملت در این قانون اساسی یک تشکیلات برای مشاوره کارهای اجتماعی تعیین کرده و آن انجمن بلدی است انجمن ایالتی و ولایتی است ، مجلس شورای ملی است ، مجلس سناست . در این قانون اساسی برای هر کدام - قوق و حدود معین معلوم کرده طرز انتخاب و تشکیل در قوانین ما بعضی تصریح شده در قوانین انتخابات ما نوشته بودند که رای مخفی است یعنی رای دهنده فقط باید خدا را حاضر و ناظر بدانند و هر کس را که صالح برای اشغال کرسی نمایندگی میشناسد انتخاب کند ولی در عمل چه دیدیم ما ؟ یک ملتی که سواد ندارد هشتاد نود درصدشان نمیتوان گفت که سواد خواندن و نوشتن ندارند اینها وقتی شرکت در انتخابات میکنند رای مخفی است ولی برخود آنها این افراد نمیدانند بکه رای داده اند آن کسی که آنها را مثل گله میبرد پای صندوق او میدانند که یکی دارد رای میدهد ما در همین مؤسسان خودمان در همین چند روز اخیر با حضور مجلس شورای ملی دیدیم که کامیونتهای دولتی یادوهای کتخت اراده و امر مافوق هستند اینها را بردند پای صندوق ها ولی پای یک صندوق بردند این کامیون پنجاه و چند صندوق را گردش کرد و جلوی هر صندوق مسافرش را چند دفعه پیاده کرد سوار کرد (دکتر بقائی - آخر آقا آزادی همین است ؟) (رحیمیان - صحیح است) این طرز انتخاب نمیشود گفت کسانیکه بنام آنها سند نمایندگی صادر میشود اینها نماینده افکار ملت ایران نیستند ما در تهران جمعیتش را فرض میکنیم یک میلیون نفر . دیگر بیش از یک میلیون شهر تهران جمعیت ندارد ولی با آرایش مراجعه کنید به بنید برای شهر تهران چقدر جمعیت فرض کرده اند این یک میلیون جمعیتی که شهر تهران دارد مطابق قانون زنها که حق شرکت در انتخابات ندارند پس بانصد هزار نفر حداقل مستثنی است بانصد هزار نفر دیگر میماند این بانصد هزار نفر روی درجات سن و تلفاتی که برای سنین مختلف انسانی پیش میآید مثلا وقتی طبقه بندی بکنیم که تلاش کسانی هستند

رئیس - اکثریت نیست تأمل بفرمایند

که کمتر از بیست سال دارند چون بچه ای که متولد میشود خطراتش خیلی زیاد است تا بسن رشد و نمو برسد و بدرد خدمت سربازی بخورد تلفاتش خیلی زیاد است پس دو تلاش کمتر از بیست سال است ما این بانصد هزار نفری که داریم باید دو تلاش را موضوع کنیم که حق شرکت در انتخابات ندارند باقی میماند صدو هفتاد هشتاد هزار نفر حالاحساب دقیق آقایان قلم بردارند بکنند (جمال امامی - اگر شصت ساله حساب بکنید یک ثلث میشود) این صدو هشتاد نود هزار نفری که حق شرکت در انتخابات دارند همه بیش از بیست سال دارند و از طبقه نسوان هم نیستند مردم دیگری هم داریم اتباع خارجه که حق شرکت در انتخابات ندارند در ایران عده زیادی هستند قشونی ها ، مأمورین شهریاری و ژاندارمری حق شرکت در انتخابات ندارند عده شان را آقای وزیر جنگ و آقای وزیر کشور تشریف آورده اند تعیین میکنند اما کثرت اشخاصی را که در تهران میتوانند از این حق قانونی خودشان استفاده کنند که یک نفر هم از قلم نینفتد از صد هزار نمیتواند بیشتر باشد (دکتر بقائی - نه آقا هفتاد هزار نفر میشود من حساب دقیقش را کرده ام) شما حسابش را کردید بسیار خوب ۷۰ یا ۸۰ یا ۱۰۰ هزار نفر بیشتر نمیشود در انتخابات دوره ۱۵ بنده تهران نبودم ولی شنیدم که یک عده کارگرمای راه آهن ممکن است از نقاط دور دست آمده باشند و شرکت در انتخابات کرده اند تمام قصبات و قرا و بلوکات هم شرکت کرده اند نمایان هفتاد یا هشتاد هزار نفر بوده بطور میشود که روزنامه ها می نویسند برای مجلس مؤسسان در تهران صد و شصت هزار رای بوده ؟ (دکتر بقائی - علاقه مردم است آقا !) این بطور میشود نمایانم (رحیمیان - ملائکه هم بودند) یک جور دیگر هم حساب کنیم بر فرض ملائکه هم آمدند و صد و شصت هزار رای ریختند در صندوق روی هر رایی ۱۲۴ اسم نوشتند در این شهر حزب هم نبوده یک حزب بوسیده ای بود که گرفتند و حبس کردند حزب هم نبوده که بگوئیم کاندیدهای حزبی معین بوده بنده نمونه آراشان را گرفتم خیلی شتر گاو بلند بود اگر خواسته باشیم من بعضی ها را دارم میخوانم برایتان یک چیزهایی بود که تناسب ندارد . این آراء را باید بخوانند و صد و شصت هزار دفعه ۲۴ رای باید بخوانند و روی کاغذ باید یادداشت بکنند . هیچ متخصصی نمیتواند بگوید این کار را زودتر از یکماه و چهل روز میشود انجامش داد عمی نیست فرض ندارد این حساب ریاضی منظم است . حالا بطور یک بار فرمان ۲۴ نفر نمایندگان تهران را دادند سردرد نیآورم (دکتر بقائی - اینها متخصصین دبار بودند مردم اینها را انتخاب کردند) (زنک رئیس) رادیو تهران روز اول اسامی را گفت ولی بعد گفت من حالا نمیگویم آخرش میگویم مدیر روزنامه اطلاعات هم خیال میکنم روزهای اول استخراج آراء را نوشتند ولی دیدند خیلی طول میکشد گفتند آراء را اعلام میکنیم . مأموریت صحیح منظم را که دیدیم . در ۲۴ فروردین ماه که مشغول استخراج آراء بودند من یک دوسه روزنامه را دیدم آرزو روزنامه هم که نبود روزنامه ها راسته بودند من یک دو سه روزنامه را که مملکتشان با مملکت حکومت فعلی تطبیق میکرد دیدم .

(پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد)

حائری زاده - آقای رئیس امر بفرمایند نروند بیرون در آرزو ۲۴ هم روزنامه کوشش را مطالعه کردم هم روزنامه اطلاعات را . سی چهل اسم در ردیف هم نوشته شده است من اسم جناب آقای محسن مهدوی را ندیدم . سی چهل اسم را که نوشته بودند من اسم شریف ایشان را ندیدم ولی بعدها که حاج عباسقلی بازرگان استعفاداد و قبول نکرد در روزنامه دیدم که با ایشان اطلاع داده اند که شما نماینده هستید این کار دو موضوع را روشن میکرد یکی تشتت آراء که آراء یک حزب نبوده که منظم برای بدهد آراء متفرق بوده و بیست هزار از این آراء را در صندوقهای مختلف خواندند . ۴۰ نفر را که اسم نوشتند آقای مهدوی جزو چهل نفر نبودند معلوم میشود سری منظم نیست (مکی - وحی نازل شده بود که ایشان باید جزو بیست و چهار نفر باشند) فرصت هم برای اینکه این آراء خوانده بشود کم نبود و حساب ساعت راهم نمیشود که از ۶۰ دقیقه تبدیل به ۲۰۰ دقیقه کنند شبانه روز ۲۴ ساعت را که نمیتوان ۷۰ ساعت کرد حساب کردن و خواندن و نوشتن در این مدت قلیل ممکن نبوده است بطور شده که فرمان نمایندگی صادر میشود این را عقل من بجائی نمیرسد و نمیفهم مسخره باین درجه خیلی عجیب بنظر میرسد . یکی دیگر در جریان آن انجمن گفتند شناسنامه ها را بیاورید . بعد دیدند شناسنامه حسن که عضو دخانیات است نمره اش معلوم است در ۵۲ حوزه که ثبت شود در هر حوزه ای هم دهه دفعه برود ثبت شود یک فضل آقائی ممکن است پیدا شود مثل حائری زاده و بگوید آقا این حسن صد دفعه بهتر رای داده این درست در نمایا یان بود که لغو کردند و گفتند لازم نیست (دکتر بقائی - آخر آن ماده برخلاف آزادی انتخابات بود) و این جریان انتخابات تهران ما بوده اما شهرستانهای ما من سایر نقاط را با اینکه خیلی اطلاعات رسیده من وقت آقایان را نمیخواهم ضایع بکنم یک حوزه ای را عرض میکنم و آن سبزووار است که من قاچاقی خود را نماینده آنجا معرفی میکنم این سبزووار مردمش خیال کردند که حقیقه آزادی انتخابات هست بعضی شان که تجربه بیشتر داشتند فهمیدند که آزادی عبارت از آن لیستی است که از تهران میرسد و باقیش شعر و حرف مفت است بعضی دیگر خیال میکردند که آزادی است و حقیقه هم وقتی که آزاد میگذاشتند که مردم انتخاب بکنند همین صنف و همین تپ و همین طبقه را انتخاب میکردند فرشته از آسمان نیآوردند و علت اینکه خواستند مردم را ازیت کنند من نفهمیدم من هر چه فکر کردم دیدم اگر میگذاشتند که آزادانه بروند و انتخاب کنند لابد ۲۷۲ نفری میآیدند مثل همینها یا بهتر از اینها یا بدتر از اینها که آئین نامه شان را نخوانده با یک قیام و قعود رای میدادند این لازم نبود که فشار بیاورند که حتماً حسن جعفر را از فلان صندوق بیرون بیاورند چنین لزومی نداشت (فولادوند - آئین نامه را خواندند چند روز هم بین و کلا تقسیم کردند همه استحضار داشتند) صحیح است ، درست است در سبزووار انجمن نظاری که تشکیل شده بود یک آرائی در صندوق ریخته بود ولی برای اینکه صندوق را خودشان حفظ بکنند اختلاف پیش آمد چکارش بکنند بالاخره تصویب شد که چون نظمی

امینتس از همه جا بیشتر است در آنجا باشد رئیس نظمی فکر کرده بود که آقای آزاد نماینده سبزووار است ممکن است فردا آبرویش را ببرد که جراسندوق را عوض کردند در آن شب در نظمی نماینده بود آن ملکه های نقاله هم آن شب رفته بودند در آنجا و بازرسی کرده بودند و آراء صحیح را باقی گذاشته بودند و آراء فاسدش را خارج کرده بودند فردا که صندوق را آورده بودند توی انجمن نظارت آن رئیس انجمن نظار بیچاره آدم ساده ای بوده گفته بود آن مهرهایی که ما دیشب کرده بودیم سر صندوق امروز آن مهرها نیست گفته بودند که تو بمأمورین دولت تهمت میزنی (دکتر بقائی - راست گفته بودند !) (مکی - در حین انجام وظیفه !) مأمور در حین انجام وظیفه طرف تهمت قرار میگردد ترا تسلیم بنادگاه میکنیم (دکتر بقائی - این آقایانیدمیش را در بیاورند تو همین کرده !) (زنک رئیس) آن بیچاره همان باور کردنی هست که اطفال چهار کلاس دبستان کنگاور برای تغییر دواصل قانون اساسی و تشکیل مجلس سنا و تهیه درجه برای تفسیر سایر اصول مقدس قانون اساسی به تلگرافخانه آمده متحصن شوند ، این ترتیب مسخره نیست ؟ ما در دنیا تنها زنده گانی نمیکیم ماعهود و میثاقهایی با سایر ملل داریم . اگر پایه قلب و تزویر و تضییع حقوق عامه بجائی رسد که قابل انکار نباشد ، چگونه میتوان باین دستگاه اعتماد کرد ، و این دستگاه را صالح برای دخالت در امور جمهور دانست ؟ اذ کثیر بقائی قبول نکردید که قول دوستانه خود را که چند ساعت در مجلس بیشتر حرف نزنند ، نقض کند ، آيا چگونه ممکنست دولتی را که موافقت میکند که اعلیحضرت همایونی نقض قسم کند او را طرف اعتماد قرار داد ، شاه مسئول نیست ، بهمین جهت مختار هم نیست . اگر مختار بود در پیشگاه مجلس مسئول بود ، آنچه خطب و خطاب نام شاه شود ها با ماست مالی نخواهد گذشت و عکس العمل این عملیات بیرویه که شده و میشود ، روزی ظاهر خواهد شد . تاریخ گواه است من برای تقاضای این حرف را نیز من . دوستان من گزارش مرا نصیحت کرده اند که چرا همرنگ جماعت نمیشوی ؟ من فکر کرده ام که اجداد من همیشه در مقابل ظلم و قیدت مقاومت کرده و آنها سرمشق عملی بن دادند نام با عظمت و افتخار آنها را من نباید نتگن کنم کسان نزدیک بین در موقع مسافرت حسین بن علی بگفته اورا نصیحت دادند ، او و هر شخص عاقل و بصیری میدانست که اگر درخت قانون عدالت و مساوات و حریتی که بدست محمد غرس شده با خون خود آبیاری نکنند نخواهد خشکید ، عالماً عامداً قیام کرد و بوظیفه مقدس خود عمل کرد ، کسانیکه قلوبشان با او ولی شمشیرهای آنها برای منافع آنی در حرکت بود و تصدیق و اذعان داشتند که حق با حسین است ولی زور بایسر زیاد از اطراف او پراکنده شده . باقیشون خصم ریوست و با درخانه خود نشستند . راست است در آن جنگ حسین صورتاً مغلوب شد ولی باعمل خود ریشه دشمنان اسلام را خشکانید . زیاد بجایشه رفتیم ، موضوع سخن ما انتخابات بود که باید نمایندگان واقعی ملت دخالت در امور مملکت داشته باشند ، گزارش دیده شده است که همین افراد بیسواد اگر کبشده ای ده

را که طرف اعتماد آنهاست برخلاف میل آنها مالک تغییر دهد، دهايتها قيام کرده برای دفع کد خدای غیر صالح فعالیت میکنند. چرا؟ چون میدانند و از نزدیک می بینند که اگر شخص غیر صالح کسب خدا باشد، اطفال آنها را برای منافع شخصی خود بعنوان نظام وظیفه در زحمت قرار می دهد، موقع تقسیم آب و بند درصعرا، تبعیض میکنند. لذا قيام میکنند و مانع از انتخاب کسبهای غیر صالح میشوند اگر ما دایره انتخابات را کوچک کنیم حوزه های ده هزار نفری برای انتخاب با رعایت جمعیت و احتیاجات و نزدیکی منافع آنها تشکیل بدیم و پایه تشکیلات مملکت را روی این واحدها بگذاریم و همین شکل که در اطاق تجارت انتخاب میشود، واجدین حق انتخاب را ششماه قبل از شروع انتخابات در دفتر نام نویسی کرده و کارت انتخاباتی توزیع شود و سپس بیست نفر از جوانترین با سوادهایی که در آن حوزه حق انتخاب دارند، ده نفر پیرترین افرادی که با سواد و حق شرکت در انتخاب داشته باشند دعوت شده بین خود هفت نفر را بنظرارت انتخاب کنند و در یک روز تعطیل عمومی که باید گفت جمعه اول سال در تمام مملکت از هر حوزه یک نفر انتخاب شود. بدیهی است در ششماه فاصله بین توزیع کارت انتخاباتی تا انجام انتخاب داوطلب ها و کسانیکه طرف اعتماد اهال محل هستند، تکلیف کاندید را معلوم کرده باتفاق یا اکثریت در هر حوزه می یک نفر مبعوث خواهد شد. هر ده حوزه که ده نفر نماینده دارد، فرضاً قم در مرکز آن حوزه نمایندگان اجتماع کرده يك نفر را برای مجلس شورایی و یک نفر را برای انجمن ایالتی از بین خود انتخاب کنند و هشت نفر دیگر، آن مجلس محلی را تشکیل داده و هر يك از این سه مجلس در حوزه اختیارات خود، حق وضع همه گونه مقررات و قوانین داشته باشند. بدیهی است، اگر اختلافی بین تصمیمات مجلس محلی حاصل شد تکلیف آنرا انجمن ایالتی معلوم خواهد کرد و همچنین اگر اختلافی بین انجمنهای ایالتی یا استان حاصل شد مجلس شورای ملی تصمیم مقتضی خواهد گرفت و اگر موقعی برای تجدید نظر در بعضی از اصول قانون اساسی در مملکت احتیاجی حاصل شد یعنی ملت طالب تجدید نظر شد و لندن دخالت و بیشگوئی نکرد تمام نمایندگان اعم از مجالس محلی و انجمنهای ایالتی و مجلس شورای ملی اجتماع نموده هیئتی را از بین خود برای مطالعه در موضوع انتخاب کرد نظریه خود را اعلام نموده در انتخابات بعدا اگر ملت از آن نظریه راضی است نمایندگان جدید اجازه تنفیذ آنرا خواهد داد و الا کان لم یکن خواهد بود من لازم دانستم که در ضمن استیضاح طریق اصلاحی و عمل مثبت را عرض کنم و الا جریان انتخاباتی که از این صورت مقتض خارج شود در موقع استیضاح بیان کردن موقعیتی نداشت برای اینکه دید پروژ نامه های که ناشر افکار مخالفین دولت هستند تعطیل است مطابق حق طبع اوراق شکایت و دفاع راهم ندارند امروز آن کسیکه که لایحه اش را امروز من قسمتی را خواندم آمده بود و میگفت تمام راضی فرانت نکردید و من هر جا هم میروم طبع کنم نمیکنند از در مجلس شورایی و در این مملکت وقتی بیک طبقه آزادی مطلق دادند کاند چاب میکنند فحش بد کتر بقائی میهنه اعلام جرم میکنند جناب وزیر کشور راجع

بد کتر بقائی يك بیاناتی میکنند امروز تلگرافی رسیده بود که حسن و حسین هر سه دختران معاویه هستند همه چیزی بود تلگرافی بود خیلی از آقایان داشتند خیال میکنند جناب وزیر کشور هم رسیده باشد بعد از وفات مرحوم آقا میرزا شهاب برادر ایشان متولی این موقوفه و این موقوفه در آن موقع بیش از ۵۰۰ تومان عایدی نداشت و آنهم خرج تعمیر آنها میشود و عموی دکتتر بقائی متولی بود سال گذشته آن عموی دکتتر بقائی فوت کرد در کتر بقائی اگر تولیتی چیزی داشته باشد از پارسا با این باینطرف است و هنوز بصورت حساب دادن هم رسیده است آنوقت اینها را در مجلس يك وزیر میآید میگویند یا در خارج مینویسد ولی مخالف در مضایع کاغذش را چاپ میکنند روزنامه هم نمیکنند نداشته باشد اگر يك جانی هم خواست کنفرانسی بدهد مخالف حکومت نظامی است و باید حبسش کنند در يك چنین وضعی چاره ندارد استیضاح کننده مگر اینکه طول بدهد حرف خودش را و در شقوق مختلفی کدر خارج مجلس حمله میکنند قبل دفاع خودش را بکنند اگر يك لحظه آزادی بود و آقای دکتتر بقائی حرفهایی رازده بود ممکن بود اصلا من پشت تریبون نیامد صحبت نکنم اگر روزنامه ها آزاد بود ممکن بود مطالب بسیاری که اینجا گفته شد در روزنامه ها نوشته شود و دیگر در اینجا لازم بصحبت نبود ولی چون در چه هارا ببینند مجبور میشوند من با اینکه برای مزاجم این اندازه حرف زدن خوب نیست چون وضع مملکت مقتضی است که بکارهای عملی بیشتر بپردازیم ولی در چه آزادی وقتی بسته میشود ما باید اول از آزادی دفاع کنیم از اساس مشروطیت دفاع کنیم وقتی که می بینیم يك سیلی آمده و این عمارت را دارد میرود ما دیگر فکر چراغ و فرشها این چیزها را نمیکنیم ما چراغ را می شکنیم و فرشها را بر میداریم میریم جلوی سیل را بگیریم اینست که ما این حرفها را میزنیم که آقایان میگویند دارد کنفرانس میدهد خبر اجبار است که من دارم اینجور فهارامیزم اگر آزادی بود من هیچ حرف نمیزدم من واجب کفائی میدانم گفتن مطالب لازمرا در این مملکت در چه ها را دولت بروی همه بسته کسی نمیتواند برای دفاع از حرف حسابی خودش و حق خودش برود در مطبوعه چیزی چاپ کند، این عقیده من بود راجع با اساس انتخابات و تحقیق از نظریه ملت راجع بقانون اساسی حالا باید تحقیق کنیم که این انتخابات مجلس مؤسسان دروغی چه نبوده و شرکت ملت تا چه حد بوده؟ نظر باینکه تصمیمات مجلس مؤسسان باید مافوق تصمیمات مجلس شورایی باشد تردیدی نیست پس باید آرائی که در انتخابات مجلس مؤسسان بصندوق ریخته میشود اگر بیش از آرائی که راجع با انتخاب مجلس شورایی است نباشد کمتر نباشد برای مثال چند نقطه را ذکر میکنم اول سبزواری که اطلاعات من از آن بیشتر است در موقع انتخابات دوره یازدهم بیش از ۲۵ هزار نفر شرکت در انتخاب نمودند در مؤسسان ۱۰۶۰۱ نفر در سیرجان برای مجلس شورایی در حدود دوازده هزار نفر و برای مؤسسان ۱۲۰۰ نفر سوم یزد - برای شورایی در حدود ۳۰ هزار

کشاورز صدر - ولی شکر مصرف نشد
حائری زاده - تماش خوب شیرین است، شیرین و گوارا.

و چهار صد نفر برای مؤسسان ۲۰۷۸ نفر و سایر شهرستانها بهمین ترتیب میل دارید پیرونده های آن حاضر است مراجعه فرمائید راجع به تهران صحبت میکنم خواهید گفت در تهران دو مقابل رای وارد صندوق شده است، بده دو مقابل وارد صندوق شده ما بجای دوری نمیرویم، همین عده حاضر از آقایان نمایندگان و مستخدمین مجلس شورایی و از باب جراند و سایر تماشاچهها که از افراد برجسته ملت ایران وساکن تهران بوده، اگر صدی ۵ شرکت در انتخابات تهران کرده اند، این آراء صحیح است همین حالا مراجعه کنید نمیرویم بیرون و خارج از مجلس همین حاضرین از همین عده حاضر اگر صدی پنج در انتخابات شرکت کرده باشند من میگویم انتخابات صحیح است.
کشاورز صدر - ولی شکر مصرف نشد
حائری زاده - تماش خوب شیرین است، شیرین و گوارا.
بقول مرحوم مستوفی العمالك در این مملکت قبح از قباح برداشته شده صفات زبیده جایگزین صفات حسنه گردیده و در این بیست سال قلدی جوانهای ما را شکلی تربیت کرده اند که برای انجام امر مافوق تمام جنایات را خدمت بشناسند. استقلال فکر و عقیده نداشته باشند. و این افراد چرخ مملکت را امروزه باین طرز فجیع میچرخانند. (دهقان - آقای دکتتر بقائی شا از طبقه جوان این مملکت هستند افلا از طبقه خودتان دفاع کنید) سلاطین بت پرست غارتگر مغول وقتی وارد ممالک اسلامی و ایران شدند پس از جنایات موقع حمله تشخیص دادند که برای بقاع خود مقتضی است از دین آبا و اجدادی و بت پرستی صرف نظر کنند و تابع قانون اسلام شده، در سایه اسلام چند صباحی حکومت کنند. و مخالف میل اکثریت حکومت دوام و بقا ندارد. با زور و فشار چند صباحی میتوان حکومت کرد، ولی عاقبت نیستی و بدبختی است. من نماینده ام پس از وقایع کودتای اسفند ۹۹ چه خصوصی با دیانات هیئت حاکمه دارد. باینکه قانون اساسی ما اصول و فصولی برای ترویج مذهب اسلام و در ضمن قسم تذکر داده شده باز می بینم مرحوم مدرس در حبس کشته شد و قبر او را در کاشغر خراب کردند و سید کاشانی را با آن وضع فجیع از زاد و بوم خود تبعید کرده و در موقع جشن جده این سید که عکس آن سید را در آن مجلس جمعی آورده بودند جمعی بیگانه را بجرم آوردن عکس سید مضروب و مجوس میسازند این چه دشمنی است که این دستگاه با زریه رسول و علمای اسلام دارد. جناب آقای ساعد شما کسولهای هستی که از سوم درون خود بی اطلاعید.
رئیس - آقای حائری زاده در الفاظ خود رعایت فرمائید.
وزیر کشور - دولت که کسول نیست این حرفها چیست آقا میزنید؟
حائری زاده - آن دستگاه استعماری و آن سیاستهای بوقلمونی دشمن رجال با عزم و اراده ایران است از مرحوم امیر کبیر و قائم مقام و صنیه الدوله بگذرید تا سید مدرس و کاشانی برسد هر کسی در این مملکت دارای فکر مستقل و عقیده ثابت است و حاضر نیست ملعبه این و آن شود این دستگاه او را نابود

کشاورز صدر - ولی شکر مصرف نشد
حائری زاده - تماش خوب شیرین است، شیرین و گوارا.

کرده و میکنند ولی بدانید که دنباموض شده روابط بشر با یکدیگر خیلی نزدیک شده شما در آن واحد صدای مسکو و واشنگتن را میشنوید و در آن واحد فریاد خود را بدینا میرسانید اگر این رادیوی امروز ملعبه بیگانان است و نمیگذارد صدای حقیقی ملت بگوش عالیشان برسد این دستگاه دوام و بقائی ندارد و عکس العمل این حرکات شنیع خیلی سخت خواهد بود. جناب آقای ساعد آقایان وزراء آقایان نمایندگان عزیز این مطالبی که من عرض میکنم از نظر انتقاد نسبت به اشخاص نیست همه مردمان خوبی هستند ولی هر کدام برای کاری ممکن است من آدم خوبی باشم ولی نه برای مترجمی زبان چینی که نمیدانم ممکن است جناب آقای ساعد شما شخص بسیار خوبی باشید ولی نه برای کاری که از عهده شما ساخته نیست خواهند گفت که فلانی چرا با آقای ساعد موقعی که در مجلس بود موافق بود پس از رفتن ایشای مخالف شد. بده امور نسبی است وقتی آقای وزیر که همه او را خوب میشناسند بطرف جامعه ملت ایران که برای نظم بخانه خود میآید دستور شلیک بدهد من باید کسی که احتمال بدهم موفق میشود او را از آن صندلی سرنگون سازد کمک باید بکنم. برای مثال از انتخابات تهران يك جمله دیگر را بگویم. موقع استخراج آراء افراد و تهران وعده داد که نتیجه انتخابات پس از ختم اعلان خواهد شد و همچنین روزنامه اطلاعات که در نظر مردم يك روزنامه نیم رسمی است آنها هم وعده داد که پس از ختم انتخابات نتیجه را اعلام خواهد کرد و هنوز نتیجه اعلام نشده فقط در تاریخ ۲۳ فروردین ۲۸ در روزنامه اطلاعات اسامی ۳۹ نفر با عده آراء آنها اعلان شد و روزنامه کوش هم همین اشخاص را به همین ردیف نوشته بود در هیچیک از این اسامی ۳۹ یا ۴۰ نفر اسم جناب آقای محسن مهدوی را من ندیدم چند روز قبل در روزنامه دیدم چون آقای حاج عباسقلی بازرگان از نمایندگی استفاداده اند لذا نفریست و پنجم آقای محسن مهدوی بجای ایشان انتخاب شدند. شخص مطلعی با من میگفت که اگر آراء را نسوزانیده باشند و مراجعه شود این شخص محترم آقای مهدوی تا پنجاه اسم هم قرائت شود اسم ایشان نیست معلوم میشود فرمان نمایندگی صادر میشود وای اگر ازیس امروز بود فردائی.
رئیس - این عقیده شخص شما است.
حائری زاده - برای تکمیل اظهارات خود چند ورقه که از حجج اسلام مربوط با این مجلس مؤسسان دروغی رسیده است قرائت میکنم.
رئیس - چرا میخوانید.
حائری زاده - کاغذی است که از خارج فرستاده اند مربوط به آقایان حجج اسلام است که اینجا میخوانم این سؤالی است که شده جوابی را که آیت الله عظمی داده اند هر دورا میخوانم.
سؤال - محضر مقدس حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی متع الله السلهین طول بقاءه - چون منتشر است که راجع به تشکیل مجلس مؤسسان بین حضرت مستطاب عالی و بعض اولیا امور مذاکراتی شده و بالنتیجه بنا تشکیل مجلس مؤسسان موافقت فرموده اند. نظر باینکه تشکیل مجلس مؤسسان مؤثر در مقررات آینده کشور و مصالح دینی و ملی و اجتماعی است بلاوه حدود اختیارات

حقیقی و عدالت اجتماعی است چنانکه حضرت سیدالشهدا علیه السلام فرماید (ان لم یکن لکم دین ولا تخافون المعاد کونوا احرارا فی دنیاکم) که ملت اسیر خیالات خام و خود خواهی و شهواترانیهای دیکتاتور مآبان نباشد مژه دیکتاتوری بیست ساله را چشیدید در این طرز حکومت کسی مالک جان و مال و ناموس و حیثیت خود نیست همانطور که نبودید فعلا هم عدالت اجتماعی نیست و امور مملکت بدخواه خود خواهان برزور سرنیزه اداره میشود هر ظلم و جنایتی را بدون بیم و هراس با کمال بیشرمی آن بیخبران از خدا مینمایند و مال ملت را بیغما میبرند و صرف عیاشی مینمایند ولی این دیکتاتوری قانونی نیست وای بر آنوقتیکه قانون اساسی را چنانکه تصمصیم گرفته اند تغییر دهند و انتخابات را با سر نیزه پیش ببرند و دزدان و شیادان طرفدار دیکتاتور را بکرسی و کالت بنشانند و مجلس سنا را اشخاص فاسد تشکیل بدهند آنوقت است که هیچکس قدرت اظهار تنفیسی و تکلمی برخلاف مظالم و خود خواهی و شهواترانی دیکتاتورها نداشته باشد و هر کس برخلاف میل آنها حرفی بزند جس تازی کند یا بدبار عده مش میفرستند. آقایان اهل علم فراموش نموده اید برای عمامه و لباس چه توهیناتی و چه فشارهایی باین نوع محترم وارد نمودند و کسب زنها را با زور سوری کنند و چه جنایات و توهیناتی بدین و آئین و متدینین نمودند بیش از سه هزار نفر مردمان بی تقصیر را در مسجد گوهر شاد و صحن و حرم مطهر حضرت رضاعلیه السلام کشتند و جمعی از آنها را زنده بگور کردند در هیچ جای دنیا شنیده نشده رقص و ساز و قمار و کارنوال و انواع فحشاء و فسق و فجور آزاد باشد و از رسوم مذهبی یا قومی و ملیتی با آن شدت جلوگیری و مجازات نمایند در مملکتی که ملتش اغلیب گرسنه و یابریته و فاقد همه وسائل زندگی است و پایتخت مملکت نان و آب که اهم ضروریات است ندارد عوض نان شن و عوض آبلجن باید بخورد با آنکه روزنامه ها آنهاهم قلمفرسائی میکنند مجلس هم دارند اندکی در بهبود اوضاع و خود سوری دیکتاتورها اثر نمیکند بلکه روز بروز بدتر و مفاسد زیاد تر میشود با دیکتاتوری قانونی و شکستن قلم نویسنده گان و بریدن زبان گویندگان واضح است چه بسا در بانات و ملت و مملکت خواهد آمد تبعید این خادم اسلام و ملت با آن وضع فجیع برای تغییر قانون اساسی و انتخابات فرمایشی و سوار کردن خیانتکاران و نور چشمان بگرده این ملت فلک زده و مسئله نفت و تجدید بانک شاه است این ضعف از جسم حضرت سیدالشهدا علیه السلام بالاتر نیست بلکه نسبت بآن بزرگوار هیچ هستم و آنها از یزد و این زیاد کمتری ندارند در راه حق و حقیقت این صدمات و لطافات و آزارها و توهینات را بجان و دل میخرم و افتخار دارم که جرمی و جنایتی ندارم و سر افکنده نزد احدی نیستم.

نمایندگان و نتایجی که ممکن است این اقدام داشته باشد معلوم نیست مستعدی است حقیقت این انتشار را برای روشن شدن تکلیف شرمی اعلام فرمائید.
سلطان العلماء - کی این سؤال را کرده؟
حائری زاده - این سؤالی است که شده در ۲۲ جمادی الاولی ۱۳۶۸ روح الله خرم آبادی - مرتضی حائری - سید محمد یزدی - روح الله موسوی - محمدرضا الموسوی الکلیایگانی - فاضل موحدی
دهقان - همه جا این یزیدها هستند.
برزین - جوابش راقرائت فرمائید.
حائری زاده - چشم، بسم الله الرحمن الرحیم اولاً از علماء اعلام انتظار می رود در موقعی که این قسم انتشارات مخالف واقع میشود خودشان دفاع کنند البته علامندی حقیر بحفظ دیانت و مصالح مملکت بر همه مشهور است نهایت مقتضی نیست که هر اقدام گوشزد عامه شود. ثانیاً موقعی که فرمان همایونی صادر شد برای اینکه مبادا تغییراتی در مواد مربوطه بامور دینی داده شود بوسیله اشخاص با علیحضرت همایونی تذکراتی مکرر دادم تا آنکه اخیراً جناب آقای وزیر کشور و آقای رفیع از طرف اعلیحضرت همایونی ابلاغ نمودند که تنها در مواد مربوطه بدیانت تصرفی نخواهد شد (صحیح است) معذک در تمام مجالسی که در اطراف این قضیه مذاکره شده که در بعضی آن مجالس عده از علماء اعلام حضور داشتند کلمه که دلالت یا اشعار بموافقت در این موضوع داشته باشد از حقیر صادر نشده (صحیح است) چگونه ممکن است در چنین امر مهمی اظهار نظر نمایم با آنکه اطراف آن روشن نیست.
سلطان العلماء - ایشان نفیاً و اثباتاً اظهار نظری نکرده اند.
حائری زاده - این چاپ شده است شما اگر خلافتش را دارید بیاورید.
سلطان العلماء - نفیاً یا اثباتاً چیزی نفرمودند فقط فرمودند در امور دینی مخالفم اگر تغییری بشود **مکرم** - اگر خدمتتان هست بخوانید.
سلطان العلماء - اینجا ندارم در منزل هست.
رئیس - آقای حائری زاده فرمائید البته سعی فرمائید که هر چه مربوط باستیضاح است بیان شود.
حائری زاده - اینها مذاکره من است که باید بعرض ملت ایران برسانم. این هم سواد يك بیامی است که از طرف حضرت آیت الله آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی باین ملت بدبخت که بدیانت اسلام علاقمندند داده است.
پیام حضرت آیت الله آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی
بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم
وضعیات ملاله خیز و ترتیبات اسف انگیز ایران که قلوب را جریحه دار مینماید این دور افتاده از وطن را و اداراتش نمود از چند صد فرسخ راه وظیفه دینی و حتمیه وجودمانه بر اندازن عزیزم بر آیس از سلام ابلاغ نمایم امیدوارم عراض خالصانه این خادم اسلام مؤثر و از خواب غفلت بیدار و تبلی و چین را بکنار راز قیام و بیداد گریه های تیره آرا کشیده و با غفلت ملت عنقریب جامه عمل را میپوشد جلوگیری نمایند اهم وسائل پیشرفت و ترقی و آسایش ملت هانا آزادی

است چقدر نهب اموال و هتک اعراض و اتلاف نفوس در راه آن شده بهر قیمت است نگذارید تغییر کند و خود خواهان و شوهر تران بکری دیکتاتوری بنشینند و دیانت و مملکت و ملت را فدای شهوترانی خود بنمایند رضای نشوید نت را که باید عمده اصلاح بیچارگی این ملت لغت و گرسنه از آن شود بر اینکافی بفتح اجنبی از کفش برود و شرکت نفت علاوه بر آنچه از گذشته دادنی است و میخواهد پایمال کند سعی دارد کلبه اراضی نفت خیز جنوب را که جزء امتیازش نیست در قرار داد جدید جزء امتیازش نماید در این امر خطیر حیاتی لازم بود اشخاص محل اعتماد از طرف دولت معین شوند نه این اشخاصیکه معین شده اند بالجمله جدید وقتا کاری لازم است که با آنچه داد و بیداد و فریاد حق ملت ضایع نشود

برادران عزیزم : در جلوگیری از تغییر قانون اساسی و دیکتاتوری و مظالم خانامانوسوز فداکاری لازم است نمیتوانند همه را بکشند یا حبس نمایند حرف حساب ملت با جدیت در دنیای امروز پیش می رود و الا پشیمان میشوید در حالیکه پشیمانی سودی ندارد در خاتمه لازم است چند کلمه بمرض اعلی حضرت همایونی برساند

شاهها تغییر قانون اساسی بفتح شاه نیست و بضرر ملت و مملکت تمام میشود مملکت حاجت شده بدعادت حقیقی اجتماعی دارد آنچه موقوف آزادی و اصلاح مجلس است نه بدیکتاتوری و سپردن زمام امور بدست کبسلوهای طمع و شهوت و خود خواهی که روز بروز ظلم و بیدادگری زیادتر و بنیاد این ملت و مملکت بر باد رود یکماه است هر صبح و شام اداره تبلیغات خیر تلگرافات و مجالس جشن و صدقات و انواع احساسات ملت را مبنی بر شاه دوستی در رادیو بخش مینمایند آیا مقتضی نیست در مقابل این احساسات بی شائبه ملت ستم دیده و شکرانه رفع خطر عرض تحکیم بیانی دیکتاتوری تغییر قانونی اساسی و مداخله در انتخابات وسیله آزادی و آسایش ملت بی تواری فراهم فرمائید شاهابسر نیزه مغرور نشوید سر نیزه را که ملت بدست شما با مات سیرده برخلاف مصلحت و ملت و مملکت بکار نبرید و بخدا بیکه رفع خطر فرموده انکاء و اعتماد بفرمائید هر چند این عرایض در پیشگاه همایونی تلخ است چون حق تلخ است ولی نمره شیرینی دارد خادم الاسلام و المسلمین سید ابوالقاسم کاشانی این نوشته آقای کاشانی است با اینکه امروز آقایان حجج اسلام از اوضاع عمومی دنیا و فشارهای سیاسی و حوایج عصری کمتر مطلع میشوند و اطراف آنها از اشخاص مطلع با اصول سیاست خالی است و حق دارند که از اظهار نظر در امور عمومی اجتناب کنند و خود را آلت ملعبه اشخاص فاسد قرار ندهند مع الوصف چون موضوع مجلس مؤسسان با این جریانیکه بنده بمرض آقایان رسانیدم بقدری مقتضی و آتیه خطرناکی برای ملت و مملکت ایران دارد که آقایان را مجبور ساخته در اطراف و حواشی آن اظهار نگرانی نمایند و چون رسماً طبق اصل دوم قانون اساسی که یادشاه قسم خورده است که حافظ و مروج این مذهب باشد اطاعت امر حجج اسلام لازم است (زنک رئیس)

عموم مسلمین میباشند (صحیح است) او امرشان بیشتر مورد اطاعت همه است که جز در مسائل دینی و روحانی مداخله نمیکند و در امور سیاسی که از وظایف امتیخته مجلس شورای ملی است هیچوقت نظری ابراز نفرموده و تفرمایند (صحیح است).

سلطان العلماء - نغیا و اثباتاً در این باره چیزی نفرمودند.

دهقان - اظهار عقیده خالصی زاده را هم بفرمائید (خنده نمایندگان)

حائری زاده. مطلب دیگری که لازم است عرض شود اینست که در ایران هر روز موضوعی مد و طرف توجه عموم میشود. پس از اسلام هر روز گاهی اخباری گاهی اصولی، گاهی شعبه، گاهی سنی مد بود اواخر قرن اخیر دستگاه دین سازی در ایران رواج پیدا کرد مثلاً اینکه امروز پس از مشروطیت اول و بعد از واقعه ۱۳۲۰ حزب سازی مد شده در زمان ناصرالدین شاه که دین سازی مد شده بود مرشد و شیخ و رکن رابع و باب پیداشد هر کسی اشعار و آیات و احادیثی متناسب با ذوق و سلیقه خود و با یک دسته مرید گرد خود جمع میکرد. در همان موقع تیری بطرف شاه جوان وقت ناصرالدین شاه انداختند. و تیرانداز را نسبت بدسته بایبها دادند هر کس با هر مکتب خصومت داشت او را بایی خوانند بدیهی است اشخاص مهمل و تنبل و بی مصرف طرف حمله و تعرض و بغض و حسد کمتر واقع میشوند. در هر فریه و قصبه و شهرستانی هر کس خدوایش سفید و واعظ و روضه خوانی که طرف بغض و محسود جمعی بود متهم به بایبگری شد. البته مأمورین وقت نیز برای جیب ببری اشخاص را متهم می ساختند. من فراموش نمیکم طفلی بودم ۷ ساله در پنجاه سال پیش در مسجد گوهرشاد مشهد در بین نماز فریاد اشخاص بلند میشد که بر هر چه بایی و صوفی و شیخی و جمهوری و هر هری مذهب است لعنت کنید. ازله پرستار خود میرسیم که اینها را چرا لعن میکنند؟ او برای هر یک از این طبقات توضیحاتی بمن میداد. البته بایبها دشمن شاه بودند و تیر بطرف شاه انداخته بودند، من در زمان طفولیت نیز خیلی فضول بودم و توضیحات جناب پرستار و من را قانع نمیساخت و متدرجاً بکتبی که در اطراف این دستجات اطلاعاتی ممکن بود تحصیل نمود مراجعه میکردم. کتاب طرائق الحقائق که سلسله در اویش را از شاه نعمة اللهی و غیره تشریح نموده مطالعه کردم. کتاب بیان وفرائد و مقاضات عبدالبهاء را با خانم امریکائی نیز مطالعه کردم و با حضرات خیلی بحث و انتقاد داشتم. و مرانامه های مختلف از نهلست و کمونست و سوسیالیست و غیره دسترس پیدا کرده و هر یک را طرف بحث و انتقاد قرار دادم. و برای خود و مصالح مملکت خود خط مشی اتخاذ کرده و تشخیص دادم که اصول مقدس اسلام بدون پیرایه های اوهام و خرافات بهترین اصول است برای اداره امور بشر. این مطالبی را که عرض کردم جمله معتزله بود. در عصر ناصرالدین شاه بایبها را تکفیر کردند و هر کس را که نوکر بله قربان نبود و دارای یک فکر و عقیده استقلالی بود. او را جبراً و قهراً بنام بایی خواندند، خلاصه یک طبقه مؤثر چیز فهم مملکت را مجبور ساختند که

درخانه آشیانه خود بناها گاهی نیافته متوسل به اجنبی بشوند در آنروز روس تزاری قوی بود ممکنست این بایبها را هم جاسوس روس در ایران کمک و مساعدت کرده باشد و شریک در ایجاد و تأسیس این دین سازی باشد (در اینموقع جلسه چند لحظه از اکثریت افتاد و مجدداً اکثریت حاصل شد) خلاصه دست مرحمتی از طرف حکومت روسیه بسر این طبقه گذارده شد و هر چه سرمایه داری که یافتند در هر شهرستان بفرقی بدست او داده و مرکز دستگاه جاسوسی آشیانه ثی بنام آگتک و سایر بایبهای لات ولوت آن اطراف جاسوسهای صمیمی مفت و مجانی برای آن دستگاه تزاری شد در طرف مقابل دولت دیگری برای کوتاه کردن این دست جاسوسان خطرناک متوسل بدین و مذهب شده گاهی بایی کشی در خراسان و گاهی در یزد و اصفهان ایجاد میشد و این جاسوسهای مفت و مجانی برای دشمن ایران پس از انقلاب روسیه و بی اعتنائی حکومت شوروی باین دست ارباب دیگری برای خود جستند و امروزه در زوایای ادارات و نقاط حساس مملکت وسیله تخریب و گسیختن رشته قومیت این ملت هستند آقایان نمایندگان معترم، جناب آقای ساعد یک اشتباه در زمان جوانی ناصرالدین شاه چقدر ضرر باین مملکت زده و خراهد زد؟ آیا سزاوار است امروزه که حزب سازی بجای دین سازی آن روز مد شده هر کس طرف بغض شامت و حساب خرده با او دارید او را بعنوان حزب توده تعقیب کنید اگر بن افراد توده اشخاصی پیدا شوند که عامل اجنبی باشند منتهی اجنبی شمالی آید در دستگاه حکومت فعلی اشخاصی نیستند که عامل اجنبی باشند آتیم اجنبی جنوبی آقایان اجنبی اجنبی است قلیح در این مملکت از بس علنی است من اشخاص ردلی را میشناسم که در رأس کارهای مهم بوده و هستند و افتخار بنو کری اجنبی میکنند همه چیز در مجلس شورایی صلاح نیست گفته شود والا گفتنیها بسیار است این عملی را که حکومت آقای ساعد پس از واقعه شوم ۱۵ بهم نموده است و در تمام شهرستانها بامورین نظامی و غیر نظامی اختیار داده اند که اشخاص را بانها توده مورد تعقیب قرار دهند عنایتیه علی است که در زمان جوانی ناصرالدین شاه این خطب سیاسی شد من اشخاصی را میشناسم و معتقدم که اغلب سنخ فکر آنها شبیه همین اشخاص است که مثلاً باد کتر ظاهری مخالف بودند اگر تشکیلات حزب توده بود کمک میکردند نه محض ارادت بجزب توده بلکه برای سر کوبی عوامل و ایجاد دکترا ظاهری بعد که حزب توده ضعیف شد حزب دمکرات شدند نه برای ارادت بجزب دمکرات بلکه چون دکترا ظاهری طرف بغض قوام السلطنه بود و باید در صنف مخالف دکترا ظاهری بود فدائی دمکرات شدند همانها بعد که قوام السلطنه رفت و حزب دمکرات ضعیف شد در صنف مخالف دکترا ظاهری هر کجا بود فرار گرفتند این قبیل اشخاص در این مملکت بسیارند و غیر قانونی شناختن یک حزب و دسته و جمعیت برخلاف قانون اساسی ما و اعلامیه حقوق بشر و مصلحت ایرانست در مملکتی که گرفتار فقر علمی است و کار بجایی رسیده که آقای دهقان پشت این تربیون از دولت تقاضا میکند که معلم و آموزگار را مثل سایر مأمورین پست کشوری بشناسند، و حقوق و مزایای که بآنها میدهد، باین

بدیعت و بیچارها بدید. دولتی که میلیون میلیون پول ایران را برای مصرف فشنک در پشت لفاغه تبصرهها و چشم بندی و کلا میگذراند حاضر بقبول نمیشود نباید استادها و معلمین را از کار بیکار کرد. در اوائل تصمیم دولت راجع بنفر قانونی شناختن حزب توده ایران بمن خبر رسیده که بعضی از معلمین و مدیرها را تغییر پست و مأموریت داده اند و دیدم در آخر سال این عمل وزارت فرهنگ غیر از فلج کردن دستگاه تحصیلی نتیجه دیگری ندارد. رفتم بوزارت فرهنگ که از جناب وزیر پرسش کنم علت این تصمیم چیست؟ در صحن وزارت فرهنگ جمعی که من اسامی آنها را نمیدانم اطراف مرا گرفتند و گفتند ابلاغ انتظار خدمت بدون حقوق برای ما رسیده شغل ما معلی است ما ذخیره و اندوخته نداریم و خریدار متاع ما غیر از دولت کسی نیست. اگر ما مقصریم ما را حبس کنند ولی عیال و اطفال گرسنه ما چه تقصیر دارند؟ گماریا بدون حقوق سرگردان کرده اند. ما توقف در مجلس را با کمال رضا و رغبت طالبیم در صورتیکه عیال و اولاد ما گرفتار فحشا و بدبختی نشوند. حقیقه این بیانات در من مؤثر شد خدمت جناب وزیر رسیدم و مطالب را بمرض ایشان رساندم. ایشان فرمودند که ما بدون تحقیق و تقیض کاری نمیتوانیم سازمان جوانان حزب توده در مدارس اسباب تخریب و اخلال بود و در پیرونده موجود حضور ایشان مقداری کارهای عضویت حزب توده بود که بمن نشان دادند من بایشان عرض کردم فعلا هم خدمت آقایان نمایندگان و وزراء عظام عرض میکنم. یکبار دو هوا نمیشود وقتیکه سازمان خدمات شاهنشاهی و بنام سازمان شیروخورشید سرخ رسماً وزارت فرهنگ بدستانها دستور میدهد ... آنوقت بچه شش کلاسه ابتدائی کورفتش را می بیند بیک اسمی کلاش را تعظیم میکند او هم هوس میکند برود پهلوی او بنشیند چه می فهمد رژه چیست، شیروخورشید چیست، سازمان چیست، این حرفها حالیشان نمیشود ما نباید بایی را مفتوح بکنیم که عکس العملش تولید زحمت برای ما بکند. رسماً وزارت فرهنگ بدستانها دستور میدهد که اطفال داوطلب عضویت سازمان تعیین شده در تشکیلات سازمان جوانان شیروخورشید بدهند، بدیهی است هر عملی عکس العملی دارد. محیط دیستان و دبیرستان مادام اطفال بسن بلوغ نرسیده اند فقط باید محیط تعلیم و تربیت باشد. نه کانون حزب سازی و دسته بازی. وقتی یکدسته اطفال سرمایه دار که میتوانند پول و لباس و تشکیلات سازمان جوانان شیروخورشید سرخ را بدهند. گرد هم جمع شدند، اطفال دیگر که در همه چیز خود را با آنها مساوی بلکه برتر میدانند فقط اولیاء آنها سرمایه مادی کمتر دارند. سازمان جوانان حزب توده و غیره را تشکیل خواهند داد. بیکاری طبقه روشنفکر و فشار معیشت تولید انقلاب خواهد کرد. شکم گرسنه دین و آئین و وطن نیستند. باید برای مردم فکر کار کرد. عدالت و مساوات در تمام شئون اجتماعی برقرار باشد. تعلیمات دیانت اسلام که بایه آن روی مساوات و حریت و عدالت و اتمی است اگر شغل و کار مردم داشته باشند، هرگز نمیتوانند آنها پیرامون کارهای مضر بحال مملکت برونند. آقایان تهمت چپ و راست بعد از پنجاه و چند سال عمر

بمن نمیچسبد من واجد من همیشه باصراحت لهجه طرفدار حق و عدالت و مساوات و حریت بوده و هستم. و بافتار بلکم تریا نمیتوان از حقوق حقه خود محروم ساخت. بلکه عکس العمل آن ممکنست بفتح دشمنان ایران تمام بشود. ماهه باهم برادریم، اولاد کنیز و بی بی هیچکدام نیستیم؛ این فاصله زیاد بین طبقات این تعدیات یکدسته شهوت پرست قلدر ایجاد اختلاف بین برادران مسلمان ما کرده و آتیه آن وخیم است. اینستطالی کمن و دو نفر رفیق من اظهار کردیم اگر بلباس استیضاح یاسؤال باندکر یاهر صیفه دیگری فرض کنید باشد ما میدانیم که این دستگاه موجود قادر بعلاج این دردهای اجتماعی نیست و ما مقصودمان تذکر بهیات حاکمه فعلی و هشیار و بیدار کردن افراد خواب آلود این مملکت است، کدر سایه محافظه کاری و باری بهر جهت گذارندن، غیر از نیستی و نا بودی سهم و بهره نمی خواهیم برد. باید جنبش کرد. بدون اینکه از این جنبش دیگران بتوانند بفتح خود استفاده کنند. خودمان بفتح خود استفاده کنیم. و نگذاریم رشته برادری ما پاره شود، این مطالب مختصری از مفصل وانده کمی از بسیار است. مطالبی که آقای دکتر بقائی بیان کردند تمام مطالبی بود که من تصمیم داشتم بمرض برسانم و تمام صحیح و بوقع و مورد بود و همچنین بیانات فاضل معترم آقای مکی فقط یک ایراد و اعتراض بیانات آقای دکتر بقائی دارم و آن اینست که ایشان فرمودند: در موقع انتخابات سیرجان ما مصمم شدیم که دخالتی در کاندیدای محلی نکرده و مبارزات محلی هر کس بفتح خود کرد ما تماشاچی باشیم، فقط در مقابل کاندیدای قشون و دولت مبارزه کنیم و برای همین مقصود قبل از مسافرت بکرمان شرفیاب حضور اعلیحضرت همایونی شده مطالبی عرض شد و فرمایشاتی فرمودند که ما مطمئن شدیم که دخالتی از ناحیه قشون و دربار در انتخابات سیرجان نخواهد شد. پس از رفتن بکرمان مشاهده کردیم که مطلب غیر از اینست و قشونها جداً در مقام دخالت در امر انتخابات هستند. من فقط یک جمله فرمایش ایشان اعتراض دارم و آن اینست که مگر اعلیحضرت همایونی در انتخابات دخالت داشته و یادارند که ایشان شرفیاب شده و راجع باین موضوع مذاکره کردند مقام شاه مقدس است، و ابداً مسئول نیست. لازمه مسئول نبودن عدم دخالت است. مختار غیر مسئول فقط ذات باری تعالی است لاغیر هر کس در حدود اختیاراتی که دارد مسئول است، معنی مقدس بودن شاه و مسئول بودن دولت اینست که امثال آقای دکتر بقائی بآن سوابق قلمی و مقام علمی نباید راجع بان انتخابات حضور ایشان شرفیاب شوند و تقاضای عدم مداخله نمایند آدمیم در موضوع فرمایشات جناب سید سید امیر احمدی وزیر محترم جنک که در جواب بیانات آقای دکتر بقائی و آقای مکی راجع باقای کاشانی فرمودند و یک تلگرافی را هم اینجا ارائه دادند این چند روز به یک نامه ای از آقا که بهتران نوشته شده است و راجع بانها ماتی است که جناب وزیر جنک پشت این تربیون بیان کردند و معلوم میشود که بکمه از دوستان آقا باقا نوشته اند و ایشان جواب داده اند و جواب را فرستاده اند برای من برای روشن شدن قضیه اول یک جمله ای را باید عرض کنم، دیانت اسلام و مذهب

شعبه سیاست و روحانیت را از هم تفکیک نکرده است دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت است (امیر تیمور - صحیح است) عبادت بر حسب منطوق و عقل بکار رابطه است بین خالق و مخلوق هر چه مخفی تر باشد و شائبه ربا نداشته باشد البته بهتر است ولی چون اسلام سیاست و روحانیتش یکی است ناز جماعت را فضیلت داده بر نماز فرادا چرا برای اینکه جامعه اسلامی را در تحت صفوف منظمی ه دفعه برای ... (در اینموقع مجلس از اکثریت افتاد)

رئیس - تأمل بفرمائید اکثریت نیست (پس از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد) بفرمائید.

حائری زاده - نماز فرادا یک فعلی است که فقط بخود شخصی که تز که نفس میکند نتیجه میدهد ولی در نماز جماعت هزارا فایده برای آن جماعت میتوان فرض کرد زیرا این صفوف نظامی که مالک امروز با خرجهای زیاد سر بازها را میآورند در یک صفوف منظمی، این صفوف را درست میکنند برای اینکه بهشان بیاموزند حرکات نظامی و حرکات ورزشی را تمام این را مؤسس مذهب اسلام با یک اصول منظم مذهبی بملت خودش خواسته تعلیم دهند زیرا دیانتی است که روحانیتش از سیاست جدا نبوده امیر لشکر خودش در موقع نماز جلو میایستد و دیگران هم اقتدا میکنند سایر مالک اسلامی هم همینطور است، حالانکه ما در مملکت ما چرا اصول اسلام فراموش شده بر حسب عقیده مسلمین حکومت و اجرای عدالت و وظیفه نایب امام است آنکسی را که قائم مقام بیغیر خود میدانند امام قائم مقام بیغیر است و در غیبت او آنکسی که مجری احکام شد علم و قدس او محرز شد بتمام اعلمیت رسید او را مکلف میدانند که با اجرای وظایف اسلامی و مسلمین قیام کند و دیگران هم باید پیش اقتدا کنند مایاتهای اسلامی را هم بدهند، مایاتهایی که در اسلام است از تمام عبادات گفته اند یک خمس باو بدهند که نصفش را در یک قسمت از مصارف خرج میکند و نصفش را در قسمت دیگر تمام اموال و اقامت و احشامی که هست یک بز کوانی دارد و اینها مایاتهای اسلامی است حتی مایات سرشاری برای افراد قرار داده اند که مالیات زکوة و غیره میباشد ولی مسلمانها بیکه معتقد هستند کسی که او را نایب امام تشخیص داده اند هیچبند هستند باور امراجه کنند مأمور مالیات بردارند هم لازم نیست برود سراغشان، خودشان حسابشانرا میکنند پولش را میآورند میدهند باو، من کوچک بودم در مشهد نظرم است میآیند اشخاص از ما و راه النهر از تاشکند از سرقند و بخارا از هندوستان و افغانستان آنها بیکه معتقد بودند که باید آنرا بر حوم پدرم بدهند هر کدام که میآیند بصنخ مختلف پولهای میآوردند میدادند بر حوم پدرم، آنروز بانک هم نبود که در بانک بگذراند کیه هائی بود از تیماج کسرم میگفتند و سر مرا میآوردند میدادند، این چهار تا سره میآورد و میگفت که این سهم امام است، آن پنج تا میآورد و میگفت مال رد مظالم و صوم و صلوة است مال حج است، پدر من آنرا تحویل آن صرافهایی که بودند میداد و بعد حواله میداد که آنها بیکه شهریه داشتند بگیرند، کسی که بولهای مسمین پهلوش جمع میشود وظیفه اش اینست که از مسلمین نگاهداری کند، آنکسی که در پنجاه سال پیش از این ماهی بیست تومان شهریه داشت، یک

سیاهه ای بود که میآمدند حقوقشان را میگرفتند و آدم بود که حقوقش رادو قران میدادند که یکماه خوراک و نان بخورد در مشهد قیمت خوراک او در یکماه دوقران بود از دوقران تا ۲۰ تومان داده میشد کدر آن صورت سیاههها نوشته میشد در کافههای پستی من پول دوهزار تومان هم در ۵۰ سال پیش دیدم که بیکنفر داده شده است که از عتبات آمده بود و از یک فامیل خیلی محترم بوده است و پدرش مرجع تقلید بوده نوشته وضعیت ما خوب نیست دو هزار تومان بوسیله مرحوم حاج سید محمد صراف پدر همین آقای فدائی که داماد آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی است فرستاده است قبضش هم هست دستگاہیانات و کسانیکه طرفدار این دستگاہ هستند و پولهاییکه وارد این دستگاہ میشود و خرج میشود این را آقایان درست مطالعه نکردند ، عده ای باین آقای کاشانی معتقدند او را نایب امام میشناسند او امر اورا مطلع میدانند و جوهراتی که دارند بوسیله او به صرف خودش میسرانند شما بروید همین مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی ، مرحوم میرزای شیرازی پس از جنگ بین الملل اول که قشون انگلیس عراق را تصرف کرد از طرف حجج اسلام بخصوص مرحوم آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی حکم دفاع داده شد و از محل عایدات اسلامی تقریباً مغارج قشون مسلمین یعنی مجاهدینی که میرفتند جنگ با قشون انگلیس میکردند داده میشد در آنوقت یکماه اینها در بر میشدند و بالاخره موفق میشدند حکومت بین النهرین فعلی در سایه مجاهدت مجاهدینی که تحت امر مرحوم میرزای شیرازی قیام کردند تأسیس شد حکومت مستقیم را که خود انگلیسها عهده دار بودند برداشتن و حکومت غیر مستقیم برایشان درست کردند فیصل آمد و آنجا حکومت کرد ، اینها یک اصولی است خیلی روشن و واضح برای کسانیکه کمتر مطالعه کرده اند در اطرافش عجیب بنظر می آید که ده هزار تومان ، سی هزار تومان ، چهل هزار تومان یک منتهدی پول از کجا آورده ، مردم باو میدهند ، اما آن تلگرافی که جناب آقای وزیر جنگ خواندند از فامیل سید من پرسیدم معلوم شد که این تلگرافی که ستاد برای اینها فرستاده اصلش گویاه هزار تومان بوده که اینجا ده هزار تومان نوشته شده اصلش که بخط سبداست سه هزار تومان است اینجا ده هزار تومان نوشته است و شرحی خدمت ایشان عرض شده که همچواشتاراتی هست و ایشان یک جوابی نوشته اند در جواب آنشخص که نامه نوشته جریانرا من میخوانم تا روشن شود که این وضعیت چه بوده آقای عزیزم، اولش را هم کاری ندارم چون مربوط بکار های فامیلی سید است

بود که مقداری در راه در قهوه خانه ها خرج شد بقیه را وقتی که وارد خرم آباد شد آقای سرگرد رکنی که از حین ورود تا حین خروج از آنجا بامن بود دید از ستاد ارتش از سرتیپ بهرامی فرمانده لشکر خرم آباد باین مسئله اسؤال کرده بودند او سرتیپ کیهان و سرگرد مرقوم تعجب نمودند و جواب دادند اولاً نصف شب من را از بستر خواب بیرون آوردند مهلت ندادند یک کتاب همراه بردارم بیست هزار تومان آنوقت کجا بوده بر فرض بوده برای چه ؟ - همراه برمیداشتم بعلاوه ۲۰۰۰۰ هزار تومان را چگونگی حمل کرده ام ننگدارند من لباس بردارم یک قباویک لباده و یک عبا پوشیده بیرون آمدم که آتش سرد در راه سرما خورده ام هنوز سینه ام درد میکند هر چه معالجه میکنم خوب نمیشود ۲۰۰۰۰ هزار تومان یکصد تومان نیست که با سانی حمل شود منشاء این امر اینست که خیبت ملعون دفتری بمن گفت پولهایی که گرفته ای مدرک داریم خواسته شاهد صدقی برای خودش درست کرده باشد این دروغ راجع کرده جسارت دیگری هم نمود واضح است باینست گرمی بشاه چرا تو همین و جسارت نکنند که از شاه مملکت پول بگیریم از چه کسی پول بگیریم مردم حقوق الهیه بمن میدهند آن راهم صرف بیچارگان میکنند عائله بیچاره من میگویند ما را هم مثل مستحقین رعایت کن اما تلگرافی که از خرم آباد نموده بودم آن بود که سه هزار تومان در صندوقخانه است بردارید بقصاک که ۸۰۰ تومان و نانوا که ۷۰۰ تومان میخواسته بدهند بقیه را هم باشخاص دیگری - ده هزار تومان نیوده فرضاً ده هزار تومان هم بوده این گناه کبیره و شاهد جرم من نیست کسی طلب پدرش را از من ندارد بهر جهت الحمد لله بیش خدا اولخلق حتی فرضین روسفید هتسم خیبت ها میگویند ۲۰۰۰۰ هزار تومان همراه داشته ام در حالتیکه ناچار یکمیز از تومان در کرمانشاهان فرض کرده ام قبض داده ام که بدم آن سه هزار تومان راهم همان شب دوهزار تومان یکنفره هزار تومان یکنفر از بابت سهم امام علیه السلام آورد که در صندوقخانه گذاردم که صبح بطلبکارها و بعضی محتاجین برسانم عجلتاً با اوضاع فعلیه ایران در همین جاها میمانم هر چند از حیث بودجه خیلی سخت است خصوصاً هرجا میروم متوقع هم دارم افلا روزی ۲۰ سی تومان باید پول تا کسی بدم تا کسی در راهی که نزدیک باشد سه تومان قدری دور باشد ۴ تومان است خدا بزرگ است هزار تومان را از آقای سرهنگ فولادوند فرمانده کرمانشاهان قرض کرده ام چون پدرش عزیز الله خان فولادوند مرحوم از دوستان صمیمی من بود با قاضی مصطفی بگویند پولی تهیه کند که برای ایشان بفرستد قبض من را بگیرد هر طور است وجه تهیه و ارسال شود زیرا بمغارج کران اینجاد مرضیه هستم همه رفقا و اهل خانه ها را اسلام میسرانم عجلتاً زیاده زحمت است والسلام - کاشانی این شرحی است که در جواب یکی از دوستان سید که از این از اجیف و مزخرفاتی که اینجا شهرت داشته برای سید مظلوم نوشته و او هم جواب نوشته و این توضیحات را داده است و ننیدانستند که من پشت این تربیون این را خواهم خواند ، چند روز پیش یکی بمن تلفن میکرد اسم او را نیگویم گفت وقتی این خبر را در روزنامه خواندم که جناب وزیر جنگ يك همچو فهرستی دارند من رفتم تحقیق این

کار معلوم شد که چندماه بوده است که آن قصاب و نانوا طلب داشته اند از سید و سید پولی که از بابت سهم امام باشد و برای این مصارف باشد نرسیده بود ، اینموقع رسیده که برای این مصارف باید تخصیص بدمد ، این را اقدام کرد و این بزرگترین دلیل است بر زهد و تقوی این سید بزرگوار که گرفتار دست اشخاصیکه قدر اسلام را نمیدانند شده و در قلعه فلك الافلاك خرم آباد مجوس است و پیاد طلبکار های خودش است که باید مدیون آنها باشم دیشب این پول بمن رسیده و قسمت نکردم که طلب طلبکار های خودم را بدم زود تر تلگرافی بگویم که این فرضها را بدهند و حساب اینهارا تصفیه بکنند ، يك چنین سید مظلومی را این رویه خیلی قبیح بود که رفتار شد اگر دولت انگلیس در اینجا حکومت میکرد من یقین دارم که این رفتار را با او نمیکرد ولی دولت ما کرد و آتیه اش را خداوند بخیر بگذراند من چون عصبانی میشوم دیگر چیزی نیگویم ولی آقایان اگر فرمایشاتی کردند در اطراف این بیشتر بحث خواهم کرد این را هم بگویم که من از وضع مجلس و انتخابات مؤسسان و این تشکیلات و این اوضاع و این استیضاحی که در قانون نوشته مقصود نداشتم رفقای من هم مثل من همین جور آنها هم میدانند که این مجلس سر سر بیغمیر را هم این دستگاہ میرسد برای دفاع از حیات خودشان آنرا صحیح میدانند ، ما در اطراف این بختی نمیکنیم ولی برای این است که دنیا بدانند که ما گرفتار چه اوضاعی هستیم و نسل آتیه بدانند که در این مملکت چه فشارها بوده آنچه مجلس مؤسسان درست میکند و يك اصول مقدسی که با زحمات حجج اسلام و فدائکار ملت ایران برای دفاع از این ملت و مملکت بوجود آمده این را میخوانند با هیچ و بوج و خیال بچه گانه از بین ببرند ، این را هم میگویم که نسل آتیه بدانند که من سهم خودم را انجام داده ام و استیضاح را هم مسترد میکنم و جوابهایی را که آقایان میدهند مثل همان جوابهایی است که آقای طباطبائی در پاسخ آن سؤال میگفت يك مشت حرفهایی است که اصلاً مربوط نیست ، همین حرفهایی است که آقای وزیر کشور و آقای وزیر جنگ در جواب مطالب آقای دکتر بقائی گفتند (دکتر اقبال - قضاوتش با مجلس است) يك کلمه از حرف های دکتر بقائی را کسی جواب نداد يك همچو چگری شد و رفتند (دکتر اقبال - تو همین نکنید ، حق ندارید تو همین بکنید) - دیگر هم عرضی ندارم . رئیس - استرداد ندارد شما اظهاراتتان را کردید دیگر . آقای دکتر اقبال بفرمائید .

جنابالی خلاف حقیقت است ، بنده عین گزارش که بازرسی شعبه ۹ تهران در تاریخ ۱۲۲۱۲۲۱۷ داده است و از مندرجات پیرونده است اینجا قرائت میکنم و بعد هم رأی دیوان عالی کشور را هم میخوانم تا آقای حائری زاده و نمایندگان محترم ملت ایران بدانند که درست نیست آقای حائری زاده که بیائید اینجا و سمایش بفرمائید معذرت میخواهم ، اینها پیرونده است آنوقت جنابالی از بنده دلتنگی دارد بداند دولت دلتنگی دارید اینها همه بجای خودش محفوظ آزاد هم هستید نماینده هم هستید مصون هم هستید بنده هم بجنابالی نهایت احترام را دارم ولی بوجوب قسمی که پشت این میز خورده اید باید بیائید اینجا حقایق را بگوئید والا از آن قسم که بگذرد هر چه میخواهد بگوئید ، اگر خلافت را بفرمائید آن قسم نمیدانم چطور میشود ، جنابالی حقتش بود میآید اینجا از بنده میبوسید بگوروز هم اینجا صحبت شد که تا گرفتارش پیرونده درست کردند گفتم آقا خیر اینطور نیست ، جنابالی تشریف میآوردید بنده پیرونده امر راجلویان میگذازم و هر چه وجدانتان قضاوت کرد میفرمودید جنابالی نه پیرونده را دیدم اید و نه اطلاع صحیحی دارید و فقط بصرف اینکه آقای خالصی زاده رفیق اجل جنابالی است فقط روی احساساتی که نسبت باو دارید و بنده هم با آن احساسات جنابالی کاملاً احترام میگذازم بسیار رفیق خوبی هستم که از رفیق خودتان دفاع میکنید روی آن احساسات ، ولی جنابالی که تشریف میآوردید پشت تربیون مجلس در حضور نمایندگان باید حقیقت را بگوئید و بس ، احساسات را بگذارید در منزلتان دوستی و رفاقت را کنار بگذارید ، اینجا باید حقیقت را بگوئید ، از اینجهت جنابالی اگر میخواستید حقیقت را بگوئید میفرمودید پیرونده را میآوردند ، نماینده مجلس هستید هر پیرونده را که جنابالی لازم دارید میتوانید طبق مقررات قانون اساسی و مقررات مملکت بخواهید و بشا بدهند ، دیروز آقای مکئی تشریف بردند پهروی آقای اعزاز نیکویی که دکتر حسن کاطمی تلقن کرده بدکتر رادمنش ، از خودم بیرحمی من اقتدر شهادت دارم که بجنابالی بگویم چرا تلفن کرده برادمنش حالا آقای دکتر بقائی گفتند (دکتر بقائی - آنچه هایتیکه گفته شده بفرمائید) بیائید از من بپرسید از وزیر سابق بپرسید ، با آقای مکئی هم گفتم که آقا از خودم بپرس و من اینقدر شهادت دارم که بگویم خودم هم وزیر هستم چرا از وزیر سابق میبوسید یا از خودم بپرس تا بگویم در کجا است ، برو بین بردار بخوان ، چطور شد آقا جناب آقای اعزاز نیکویی که یکسال با او اسلام و علیک نمیکردید حالا چطور شد که توی راهرو میبوسیدش از من بپرسید و بگوئید من میگویم عرض کنم که آقای حائری زاده فرمودند که برای آقای خالصی زاده پیرونده درست کرده اند حالا آقای خالصی زاده مدت چند سالی است رفته اند آنهم در کابینه آقای قوام السلطنه رفته اند من خیلی متأسفم که دولت وقت در مقابل این ، وچیکگیرها تسلیم شده خیلی متأسفم و بجنابالی بگویم که اگر دولتها در این مملکت وظیفه خودشانرا انجام میدادند یعنی طبق مقررات قانون در مملکت حکومت میکردند این حرفهایش نیامد (صحیح - است) تمام تصدیقات دولت است و بنده هم عضو بودم ، ضنف است که اجازه میدهند فلان روزنامه و فلان آقای

هوچی داد بر نندو فریاد بکنند و این بدبختها رایش بیاورند ما بعد از این دیگر این اجازه را نمیدهیم بجنابالی عرض بکنم که دیگر رفت آن بساط و بعد از این فقط قانون در این مملکت حکومت میکند (صحیح - است) و دولت هم مصمم است که با پیروی از منویات اعلیحضرت همایونی حکومت قانونی بکنند حالا جنابالی میفرمائید جلوی آزادی را گرفته اند عرض کنم خیلی متأسفم برای اینکه صدای آقای خالصی زاده را خاموش کنند ماهی دوهزار تومان باو دادند که برود یزد بنده خیلی متأسفم ولی نمیدانستم یعنی اگر میدانستم نمیگذاشتم بدهند (صغوی - چقدر آقا ؟) عرض کردم ماهی دوهزار تومان آقای خالصی زاده میگرفت که برود توی یزد بماند در تهران نماند - بنده تصمیم گرفته ام که تمام این حقایق را از پشت همین تربیون عرض آقایان نمایندگان برسانم (دهقان - احسنت) تا بدانند خالصی زاده کیست که جنابالی پشت تربیون قسم میخورید (نواب - بنده هم خواهم گفت) بنده خودم هستم (زنک رئیس) .

رئیس - آقای نواب حرف نزنید .

دکتر اقبال - عرض کنم ایشان رفتند یزد در یزد يك بساطی راه انداختند که خدا میداند این گزارش است بعرض میرسد در تاریخ ۱۲۲۱۱۱۲۷ از طرف مهربان رستم بداد گستری یزد اعلام میشود که شانه ایرانندخت چهار ساله نامزد پسرش را (یکی از نمایندگان - آقا چهار ساله . . .) (دهقان - آقا چهارده ساله است) بله ، بله ، بیخشد اشتباه شده است دو مرتبه میخوانم : در تاریخ ۱۲۲۱۱۱۲۷ از طرف مهربان رستم بداد گستری یزد اعلام میشود که شانه ایرانندخت چهارده ساله نامزد پسرش را چند نفر از مهدی آباد یزد ربوده و فلاد در منزل آقای خالصی زاده میباشد بلا فاصله آقای عظیم افشار دادستان یزد اقدام با احضار ایرانندخت نموده و چون در بازجویی اظهار نموده که برای تشریف بدین اسلام از جهت اینکه پدرش قبل از فوت مسلمان شده است بیبیل و و رغبت خود بمنزل آقای خالصی زاده رفته است احمد ناظمی را بقیمومیت انقاسی تعیین و دختر را بمشارابه میسار . مجدداً در تاریخ ۱۲۲۱۱۳۰ در ساعت ۲ بعداز ظهر بانو بمان زردشتی دختر ۱۹ ساله اش را ربوده اند و دختر در منزل خالصی زاده است بیخشیه من طبیب هستم این يك ایبسی است مرضی است هر چه دختر ربوده اند در منزل آقای خالصی زاده است آقای دادستان شخصاً پس از وصول شکایت بمنظور مشاهده دختر و تحویل او بکسایش بمنزل آقای خالصی زاده عزیمت نموده و از قرار حکایت پیرونده ، آقای خالصی زاده از تحویل دختر امتناع وبا آقای دادستان نیز گلاویز و نسبت بایشان مرتکب اهانت و ایراد ضرب میشود که جناب آقای برزین (برزین - این عمل جنسیت است در حین انجام وظیفه) (خنده نمایندگان) که موضوع نیز مورد گواهی رؤسای شهربانی و مغل انتظام و امنیت آن حوزه میباشد مطابق ماده ۲۵۷ قانون اصول محاکمات حقوق و ماده ۴ قانون مصوب ۱۱ آذر ۱۳۰۶ احاله رسیدگی از حوزه قضائی یزد بحوزه قضائی تهران تجویز میشود امضاء لطفی ، دره ، خوانساری ، صدت امضاء تصدیق میشود . مهر دیوان کشور پس ملاحظه میفرمائید که حکومت نظامی

دکتر اقبال - با آقای دادستان یزد گلاویز و نسبت بایشان مرتکب اهانت و ایراد ضرب میشوند که موضوع نیز مورد گواهی رؤسای شهربانی و ژاندارمری یزد که بلافاصله در منزل آقای خالصی زاده حاضر و مراتب را مشاهده کرده اند واقع گردیده ، آقای بازرسی شعبه ۲ یزد پس از شکایت آقای دادستان از آقای خالصی زاده تحقیقات لازم را معمول و بعنوان ایراد ضرب و جرح بدادستان در حین انجام وظیفه قرار باز داشت موقت متهم را صادر مینماید (صحیح است) در این خلال دیوان کشور قرار احاله رسیدگی پیرونده را بحوزه قضائی تهران صادر و پیرونده شعبه ۹ بازرسی ارجاع و متهم نیز بقرار بازداشت اعتراض مینماید دادگاه جنه مرکز پس از رسیدگی با اعتراض متهم قرار بازداشت را تأیید و اینک پیرونده امر در جریان رسیدگی است این کافی بود بعد هم رأی دیوان کشور را میخوانم (یمین اسفندیاری - دیگر نمیخواهد) (زنک رئیس) آقای یمین اسفندیاری از حضرت مستطاب عالی خواهش میکنم اجازه بفرمائید . . .

رئیس - اجازه بایشان نیست شما باید بیاتنان را بفرمائید .

یمین اسفندیاری - صحیح است بنده حق آقای رئیس را غصب نمیکنم .

دکتر اقبال - دادنامه شماره ۱۵۷۳ دیوان عالی کشور وزارت دادگستری - با ارسال دوقفره تلگراف دادسرا و دادگستری یزد دادستان کل احاله پیرونده جزائی موضوع اتهام خالصی زاده را از حوزه قضائی یزد بحوزه قضائی تهران تقاضا نموده که پس از تقاضای دادستان کل حسب الارجاع ریاست کل دیوان کشور باین شعبه ارجاع گردیده خلاصه جریان امر که در تلگراف دادستان توضیحات داده شده است این است که يك دختر زردشتی ربوده شده ، آنجادوا بوده اینجا یکی است ، پس از شکایت پدر او باینکه دختر را در منزل خالصی زاده پنهان کرده اند دادستان شخصاً بمنزل خالصی زاده مراجعه و پس از گرفتن دختر و تسلیم او باولای او با مساعدت مأمورین شهربانی در موقعیکه دادستان قصد خروج از منزل را داشته خالصی زاده و کسایش دادستان را بزمین زده و شخص خالصی زاده بروی سینه او نشسته کدر نتیجه مداخله مأمورین و یاسبان نجات یافته و چون اینها روی موضوع روحانیت بزرگترین خیانت را بعالم روحانیت این مملکت میکنند ؛ بعد دادستان تقاضای احاله پیرونده را از یزد بتهران نموده است هیئات شعبه مرکب از آقای لطفی رئیس آقای محمود دره مستشار آقای محمد حسین خوانساری مستشار در تاریخ ۲-۱۲-۲۷ تشکیل (محمد علی مسعودی - همه از قضات شریف هستند .) و پس از خواندن گزارش آقای دره و ملاحظه تلگرافات مزبور مشاوره نموده چنین رأی میدهند که چون بنا بگزارش دادستان یزد که رئیس دادگستری یزد تلگرافاً آنرا تأیید نموده تعقیب و رسیدگی امر در حوزه قضائی یزد مغل انتظام و امنیت آن حوزه میباشد مطابق ماده ۲۵۷ قانون اصول محاکمات حقوق و ماده ۴ قانون مصوب ۱۱ آذر ۱۳۰۶ احاله رسیدگی از حوزه قضائی یزد بحوزه قضائی تهران تجویز میشود امضاء لطفی ، دره ، خوانساری ، صدت امضاء تصدیق میشود . مهر دیوان کشور پس ملاحظه میفرمائید که حکومت نظامی

صدر زاده - آقا ما نهمیدیم .

یمین اسفندیاری - از سر بخوانید .

صدر زاده - بعد از گلاویز تکرار بفرمائید .

رئیس - آقایان ساکت باشید که بخوانند .

در این امور هیچ دخالتی نداشته و طبق رای عالی دیوان کشور که از مردمان بسیار پاک تشکیل شده میباشد آنوقت جنابعالی تشریف مآورید اینجا بر خلاف حقیقت بیاناتی میفرمائید (رحیمیان - فرمودید که دولت چرا دوهزار تومان و بچه عنوان داده؟) این موضوع در اختیار دولت بوده بنده خیلی متأسف هستم همین آقای حائری زاده در همین راهروها چون آنجا آقای خالصی زاده در روی منبر اهانت بعضی مقامات میکرد و فرماندار آنجا جلو گیری کرده بود اصرار داشت بمن ، اصرار زیاد و فلان و اینها حتی ایشان میگفتند چون مدتی است حقوق ایشان قطع شده ، اصرار زیادی کرد که همین دو هزار تومان را برای ایشان درست کنید در یکی از دهات اطراف یزد باشند ، اینها را آقای حائری زاده فرمودند تکذیب هم نمیکند (حائری زاده - من باید توضیح بدهم) عرض کنم راجع بوضعیت آقای خالصی زاده البته بنده توضیحات نمیدهم و گزارشهای مفصل ایشان و تاریخچه ورد ایشانرا که اینجا حاضر است ولی چون نمیخواهم وقت مجلس را بگیری نمیخوانم (یکی از نمایندگان - ضرورتی ندارد) چون آقای حائری زاده اصرار داشتند که خالصی زاده را مردی پاک و منزه نشان بدهند و اگر باز هم بخواهند بنده مجبور میشوم که در پشت این تریبون بیایم و بگویم (حائری زاده - من بصلاحت او کاری ندارم برای خلاف کاری دولت دلیل میآورم) اما راجع بفرمایشات دیگر آقای حائری زاده ، يك قسمت اینجا فرمودند ، البته بنده از این فرصت استفاده میکنم و آقای حائری زاده عرض میکنم که طبق مقررات قانونی این مملکت و طبق قانون اساسی مملکت که شما برای حفظ آن اینجا قسم خوردید يك اقلیتی هستند که مورد احترام ما میباشد (صحیح است) قانون اینها را مصون دانسته و حقوق اینها را معین کرده و در مجلس هم نماینده دارند و طبق این قانون اساسی باید حقوقشان محترم شمرده شود آقای خالصی زاده یا هر فردی در این مملکت که برخلاف مقررات نسبت باینها تجاوز کند شدیداً باید مجازات شود . آقای خالصی زاده اینجا شرح مفصلي راجع به ... (بین اسفندیاری - آقای حائری زاده) بیه آقای حائری زاده شرح مفصلي راجع بعملین گفتند و توضیحاتی دادند ، چون ایشان خیلی صحبت فرمودند که چه قصیری داشته بفرموده آنجا حائری زاده معلم ، همانطور که در چند جلسه پیش بر سر آقایان رساندم از شریفترین افراد این مملکت است برای اینکه معلم باید که تربیت بکند افراد این مملکت را و باصلاح جوانها را برای نسل آینده این مملکت آماده نماید و اگر معلم بد از کار بیرون بیاید روی بر احوال آن ملت - من نمیتوانم قبول بکنم که يك معلمی بگوید من را اغفال کردند و او را بشود معلم گفت - این مرئی است ، عالم است ، بگوید من را اغفال کردند و بردند حزب و این حرفهایی را که سر کلاس میگوید بگوید محضاً گفتن من باز تکرار میکنم ، ترجیح میدهم که تمام افراد این مملکت یسواد باشند ولی توده ای نشوند - جنابعالی اگر مخالفید آزادی بفرمائید ، این عقیده بنده است و تکرار میکنم و خیال میکنم تمام افراد وطن پرست و علاقمند باین آب و خاک اینطور فکر میکنند (صحیح است) جنابعالی اینجا فرمودید که برخلاف

قانون اساسی آمدند حزب توده را بستند این را اینجا فرمودید بنده خواستم جنابعالی بگویم که این دولت آقای ساعد که در رأسش یک مرد شریف و پاکدامنی است هیچ جای افسوس نیست ، نهایت سعادت است برای مملکت که در ظل مرادم اعلیحضرت همایونی این مرد شریف و پاک که بهیچوجه جواز قتل و شکر نمیدهند در رأس دولت هستند (مکی - ولی نه اقلیت) (دکتر بقائی - جواب مؤسسان را بدهید) (مکی - شما خودتان حزب توده را تقویت کردید) ایشان ضمن صحبت خودشان گفتند برخلاف قانون و مقررات قانون اساسی آمدند حزب توده را لغو کردند ، جنابعالی که نماینده مجلس هستید قبل از هر چیزی گمان میکنم باید قانون اساسی را بدانید چون شما اینجا نشسته اید و حافظ قانون اساسی هستید بنده این ماده ۲۱ قانون اساسی را میخوانم و همانطوری که گفتم این دولت برخلاف مقررات رفتار نکرده و تمام افراد این دولت حاضرند در هر محکمه ای که باشد بیاینه و جواب بدهند والسلام بنده اصل ۲۱ قانون اساسی را برای جنابعالی میخوانم ؛ اصل ۲۱ : انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مغل بظن نباشند در تمام مملکت آزاد است و عکسش عبارت از این است که دولت طبق این مقررات نباید بگذارد که يك اجتماعاتی و يك دسته جاتی برخلاف دین ، برخلاف امنیت و برخلاف شرافت ملی رفتار کنند ، خیلی ساده است و این دولت این کار را کرده بانکای این اصل ۲۱ قانون اساسی ، این را جنابعالی میفرمائید ، دولت کاملاً طبق مقررات رفتار کرده بعد هم آمدیم اینجا بنده از طرف دولت و بنام دولت اظهاراتی کردم و خیال میکنم آقایان تشریف دارند همه آقایان ، تمام مجلس حتی خود جنابعالی هم تصدیق کردید (صحیح است) بعد استناد فرمودید .. (حائری زاده - من تصدیق نکردم سکوت کردم) وقتی اکثریت تصدیق کرد شما نمیتوانید تصدیق نکنید (دکتر بقائی - ایشان هم توده ای هستند؟ ...) عرض کنم ایکاش توده ای بودند برای اینکه اگر توده ای بودند افلا شهادت این را داشتند که بیاینه اینجا بگویند توده ای هستم ، یکمده ای هستند که توده ای نیستند ولی تمام کارهای توده ایها را دنبال میکنند و رواج میدهند (حائری زاده - هر آدم چیز فهمی را بگویند توده ای است) منکه نگفتم جنابعالی توده ای هستید هیچ توده ای نیستید بنده چنین عرضی نکردم عرض میکنم ایشان اینجا استناد کردند بنامه ۲۹ اعلامیه حقوق بشری بنامه آقای حائری زاده فرانسه میدانند بنده تقدیم میکنم ، آقای دکتر بقائی فرانسه خوب میدانند میدهم برایتان ترجمه کنند. نوشته است ، ترجمه تحت اللفظی نیست خلاصه اش است - راه آزادی فردی البته محفوظ نیست مگر بموجب قانون - در مورد تجاوز بحق دیگران و مواردی که نظم عمومی ایجاب میکند پس جنابعالی طرفدار هرج و مرج نباشید (حائری زاده - نیستم) اگر نبودید این فرمایشات را نمیفرمودید طرفدار هرج و مرج نباشید ، شما طرفدار آزادی باشید ، ولی آزادی که همچون هرج و مرج نباشد - آزادی که فلان حزب میگفت ، آزادی که جلو چشم خودمان تمام ملت ایران میدانند که از کجا میآید و شما صحبت

این را میکنید که آزادی ولی همان آقایان در روزنامه های خودشان بنام مقدسات ملی ما توهین میکردند - من اینجا عرض میکنم که مسلمان ، شما اظهار کردید که طرفدار دین و مذهبید ، من آقا اینجا حالا اشتهد خود را میگویم و خیال میکنم که شما متدین و مسلمان باشید همینقدر که من گفتم من مسلمان قبول میکنم و مسلمان هم هستم اگر نبودم طبق این قانون اساسی نمیتوانستم وزیر باشم بنده مسلمان هستم ، بنده از آن اشخاصی هستم که نه فقط از نقطه نظر معتقدات دینی خودم و از نقطه نظر سیاست و معتقدات خودم عقیده دارم که دین باید در تمام شئون مملکت جاری باشد (صحیح است) مخالف خرافات هم هستم ولی باستی دین در تمام شئون مملکت باشد (صحیح است) آقای حائری زاده اگر دین بین این توده های مردمی که سواد ندارند وجود نداشت آن خائنین تمام معنی در این مملکت رسوخ میکردند فقط و فقط يك مرد گرسنه که از توی خیابان رد میشود چون دینش دین اسلام است و گفته است دست باین زن مال تو نیست گرسنگی میخورد دست نمیزند در صورتیکه اگر دین اسلام نداشت دست میزد و میچاپید مثل جاهای دیگر ، من از آن اشخاصی هستم که چنانچه آداب نمیکشم و این عرض را در خدمت جناب آقای بروجردی هم عرض کردم ایشان عرض کردند که من فقط از نقطه نظر دیانت برای خودم معتقداتی دارم ؛ آخرتی هم هست جوابش را میدهم هیچ هم احتیاجی ندارم برخلاف کسانی که ادعای دیانت دارند و چون دین رسمی مملکت ما طبق این قانون اساسی دین اسلام و شیعه است از اینجهت ما موظف هستیم برای بقای این مملکت ، هر فرد وطن پرستی باید دین را رواج کند (صحیح است) همان وزارت فرهنگی که بنده رفته ببول رفیق محترمان بهم بزم عقیده شان البته آزاد است ، جامعه و مردم باید فقط ت بکنند یکی از کارهای توده ایها که در وزارت فرهنگ پیش گرفته بودند و درست هم رفته بودند ، سنی دانستن دین را از بین ببرند (صحیح است) و لا متأسف باز اینجا تکرار میکنم یکی از روزهای نالایق فرهنگ هم دنبال این کار بود (یکی از نمایندگان - کی دارید اسم ببرید) اسم نمیبرم ، عرض کنم بنده وقتی رفته بوزارت فرهنگ ، بشهادت بیشتر آقایانی که اینجا هستند بنده اول کاری که کردم در وزارت فرهنگ دستور دادم که اصول مذهب باید در تمام مدارس ما ، باز هم تکرار میکنم نه خرافات دین ، حقیقت دین باید اشتهاد شود ، بنده فوراً کمیته ای تشکیل دادم و یکمده از اشخاص بسیار متدین و پاک این مملکت را خواستم ، کتاب نوشتند با يك زبان بسیار ساده (احسن) این بود ، جنابعالی بگویم بنده مسلمانم و معتقدم تمام بزرگان اسلام از ادت میورزم و احترام میگذازم یکی از آنها که شخص پاکي است و از خداوند تعالی اینجا استعاضا میکنم ، تمنی میکنم بدرگاهش که تمام این علمای ما مثل او باشند ، مثل آقای بروجردی یعنی تمام معنی مسلمان ، متدین و فقط و فقط در ترویج دین اسلام قدم بر میدارند ، بنده رفته از طرف بندگان

اعلیحضرت همایونی برای اینکه رفته بودند يك اراجیفی بایشان عرض کرده بودند که مجلس مؤسسان را میخواهند تشکیل بدهند و میخواهند دین را بهم بزنند ، زنها را اجازه بدهند .. خلاصه يك مقدار از این اراجیف البته همانطور که اینجا صحبت شد و جناب آقای رئیس محترم مجلس هم تذکر دادند یکی از صفات بارز و خوب حضرت حجة الاسلام آقای بروجردی همین است که در سیاست دخالت نمیکند (صحیح است) ایشان یکقدری نگران بودند از این موضوعاتی که راجع بدین بعضی ایشان رسانده بودند بنده در خدمت جناب آقای رفیع رفته ام آنجا شرفیاب شدم و برای بنده سعادت بود که برای مرتبه دوم حضور ایشان شرفیاب شدم ، توضیحاتی دادم از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی از ایشان تشکر کردم که اینقدر شما با اساس دین و مملکت متوجه هستید و همانطور که گفتم یکی از اساس نگهداری این مملکت دین است و بس (صحیح است) این بود که عرایض خدمتشان کردم آقایان دیگر هم بودند ایشان فرمودند با این توضیحاتی که میگویند راجع بدین بنده حرف ندارم این را بنده اینجا میگویم ایشان اینطور فرمودند و راجع بدین بنده از طرف بندگان اعلیحضرت همایونی و از طرف دولت رسماً اعلام میکنم بهیچوجه من الوجوه نظری راجع بدین نیست چون ما معتقد هستیم ، و با بنده هستیم بآن اصولی که باعث نگهداری ما است (صحیح است) باید تذکر بدهم يك مملکتی باید باشد آقای حائری زاده که من در آن وزیر باشم (صحیح است) اگر مملکت نباشد بنده چه بگویم ، خیلی يك مملکتی است که در جغرافی ملاحظه کردید اید در آمریکای جنوبی در آنجا چه میگذرد و چه میکنند بنده آنترسه نیستم ، علاقه مند نیستم ولی بمملکتی که درش زندگی میکنم علاقمندم این است که جنابعالی خاطر اتان آسوده باشد ما برای اینکه بتوانیم شرافتمند باشیم و شرافتمندان زندگی کنیم یا بنده هستیم بآن اساسی که باعث زنده داری و حفظ این مملکت است که عبارت است از ملیت و دستگاه سلطنت و دین ما طرفدارش هستیم در آخرین رمقی که داریم باقی خواهیم ماند مملکت ما با این فرمایشاتی که فرمودید لازم بود این جریان را بر عرضتان برسانم اما راجع به مجلس مؤسسان ، مجلس مؤسسان بنا بر اراده و نظر بندگان اعلیحضرت همایونی امر بتشکیل شد ، تاریخچه اش را همه میدانید چیز پنهانی نبود با این مواضعی که در دین هست البته تصدیق میکنم کار مملکت پیش نمیرود الان مدت ۲۷ روز است که یکی از آقایان میگفتند (فولادوند - ۲۷ روز است) ۲۷ روز است که دولت آمده اینجا برای استیضاح که فرمایشات آقایان را گوش کند بنده فقط باید اینجا عرض کنم که این فرمایشاتشان چهقدر در اوضاع مملکت مؤثر هست ولی حالا این را هم از طرف ملت ایران نمیتوانم بایشان تبریک بگویم (دکتر بقائی - ملت خودش بلد است) ولی باید بگویم وظیفه ای که بایشان محول شد به نحو کاملی انجام دادند آقایان اگر در رادیوی متجاسرین آذربایجان (نورالدین امامی - اسم آذربایجان را نیاورید) در رادیوی متجاسرین اگر جنابعالی در سه چهار شب قبل شنیده بودید با ستاند فرمایشات آقای محترم هر چه توانست

بمقدسات ما و شخص بندگان اعلیحضرت همایونی جسارت کرد من از پشت این تریبون بنام ملت ایران و بنام دولت ایران تفر خودم رانست باین مزخرفات ابراز میکنم (صحیح است) آروز هم گفتم اگر شما میخواهد مملکت اصلاح شود ما که ادعا نکردیم بنده پیغمبر نیستم و معجزه هم نمیکم ، آقای ساعد هم همینطور اوضاع مملکت هم در این مدت بعد از شهریور بر اثر نبودن امنیت در نتیجه عدم انضباط (بین اسفندیاری - و دخالت خارجی) باین روز افتاده .
دکتر بقائی - جواب بنده را بدهید کنفرانس ندهید (زنك رئیس) باید ساکت باشید دارند صحبت میکنند گوش بدهید ، همه باید نظم را رعایت کنند در این مملکت خرابی از عدم انضباط و خودسردی است که مملکت را باین روز انداخته يك آئین نامه ای هست در این جا نمایندگان باید خودشان رعایت کنند من که فراشباشی نیستم آقای بین اسفندیاری باید خود جنابعالی رعایت کنید .
بین اسفندیاری - بنده هم حیثیت دارم جناب آقای رئیس ، بنده که نگفتم اجازه با شما نیست شما حق نداشتید بنده اعتراض کنید .
رئیس - بنده هم بایشان گفتم و شما اعتراض نکردم ، بفرمائید آقای دکتر اقبال .
دکتر اقبال - در نتیجه عدم انضباط و اشغال مملکت و دخالت بیگانگان و گسیختگی امور و همینطور که یکفر از آقایان تذکر دادند در نتیجه این که مملکت اشغال شده بود و بیگانگان دخالت کردند این است که در يك روز و دو روز و ده روز نه آقای ساعد و نه بنده ادعا داریم اگر نظر ایشان اصلاح بوده تذکرات را میدادند همینطور که بنده گفتم که خیلی چیزها هست که بنده میدانم و ایشان نمیدانند خیلی خرابکارهاست که ایشان يك درصدش را نمیدانند میآیند تذکر میدادند ولی متأسفانه مقصودشان این نبود و مدت ۲۷ روز تمام باین طریق برگذار شد و نتیجه اش این شد که رادیوی متجاسرین با ستاند بیانات ایشان در مجلس هر چه توانست تمام مقدسات و مخصوصاً نسبت بشخص اعلیحضرت همایونی جسارت کرد (دکتر بقائی - با ستاند حرف من؟) بیه میفرستم برای شما بیآورند با ستاند فرمایشات جنابعالی و غیر از این اثر دیگری نداشت حالا این را خودتان يك خدمتی میدانید و ملت ایران از ایشان تشکر میکنند مربوط بنده نیست ، عرض کنم که تشکیل مجلس مؤسسان بنا بتصمیم و اراده بندگان اعلیحضرت همایونی که مشاهده فرمودند با این ترتیب و وضع فعلی امور مملکت اداره نمیشود فرمان صادر شد قبل از آنهم با تمام رجال صدر مشروطیت که آقای دکتر بقائی اینجا فرمودند نمودار باشد (آشتیانی زاده رجال صدر مشروطیت همه مردند) آقای دکتر بقائی باز هم تکرار میکنم که اگر آن رجال صدر مشروطیت اینجا نبودند آقای دکتر بقائی هم اینجا نبودند فقط با احترام آنها هم که بود آقای دکتر بقائی این اظهارات را نباید اینجا بفرمائید ، آقای دکتر بقائی این را از من داشته باشید نصیحت بشما نمیکنم ولی از من داشته باشید بعنوان يك فرد طبقه جوانی که اینجا فرمودید باید همیشه احترام بزرگان را داشته باشید (دکتر

بقائی - بزرگان احترام دارند) بیه ولی نمیکند جان دلم همین آقای قزوینی زاده ، همان آقای سید محمد صادق طباطبائی ، همان آقای نصر الملک ، همان آقای حکیم الملک تمام اینها جان کردند این قانون اساسی را نوشتند و بدست من و شما دادند و شما باینجا اینجا و بهشان توهین میکنید (دکتر بقائی - توهین نمیکم - دستور لندن بود مجلس مؤسسان) (همه نمایندگان) (زنك رئیس)
رئیس - من بشما اظهار میکنم آقای دکتر بقائی شما نباید جریانی را که مخالف مصلحت این مملکت است اظهار بکنید .
دکتر بقائی - آن اخباری را که بنده خواندم جواب آنها را بدهید .
رئیس - بفرمائید آقای دکتر اقبال
دکتر اقبال - آقای دکتر بقائی جنابعالی لطفاً ای که بطبقه جوان زده اید شما را فراموش نخواهند کرد ولی خوشبختانه طبقه جوان چون اشخاصی هستند که نشان خواهند داد در اینجا جز خدمت و جز تعالی مملکت چیزی نمیخواهند این است که جنابعالی تصور نفرمائید که فرمایشاتی که میفرمائید و یا همین که اینجا میفرمائید که کجا دستور داده این از شما که استاد دانشگاه و تحصیل کرده هستید خیلی بعید است (دکتر بقائی - جواب بدهید) مجلس مؤسسان تشکیل شد بنا بر اراده اعلیحضرت همایونی (دکتر بقائی - مجلس مؤسسان باراده ملت باید باشد) انتخابات هم در تمام مملکت شد ملت انتخاب کرد و فرستاد و در اینجا آقای حائری زاده در ضمن نقطشان يك کاغذی خواندند از آقای کاشانی که يك اشخاص پست و قلندر و مزدور در این مجلس انتخاب شدند بنده باید عرض کنم که شریفترین افراد این مملکت در مجلس مؤسسان هستند (صحیح است) اگر جنابعالی تشریف ندارید بنده سوبله نمیتوانم بخورم شما روزی که از کرمان حرکت کردید بیعت خودتان را با ملت کرمان قطع کردید بنده جکار کنم جان دلم قطع کردید و میدانید که دنبال شما نخواهند آمد و بنده با احترام شخص محترمی راجع بانخابات شما صحبت میکنم اگر من میخواستم جناب آقای حائری زاده گرفتند صحبت کنم که ایشان تحت چه شرایطی انتخاب شدند آقای کسی که خرما میخورد چطور میگوید که خرما نخورد
دکتر بقائی - اگر راست میگویند راجع بانخابات بنده هم صحبت کنید .
دکتر اقبال - راجع بانهم صحبت میکنم ، رئیس - آقای دکتر اقبال مباحثه نکنید .
رحیمیان - جناب آقای رئیس بنده استدعا میکنم که ایشان فقط جواب بدهند وزیر نمیتواند اینطور با وکیل بحث کند (زنك رئیس)
دکتر بقائی - راجع بانخابات بنده هم صحبت کنید آقای دکتر اقبال بیشتر خودتان را مفضح خواهید کرد خودتان را بمصانبت نزدیک راجع بانخابات مجلس مؤسسان در تهران باید توضیح بدهید چرا حرف نمیزنید آقا؟ (زنك رئیس)
رئیس - بفرمائید آقای دکتر اقبال .
دکتر اقبال - عرض کنم که بعد از اینکه این جریان شد و همان رجال صدر مشروطیت که شما بهشان توهین کردید نظریه دادند موضوع را دولت آورد در این مجلس همین مجلس شورایی

که آقایان هستند بودجه اش را تصویب کردید مجلس مؤسسان تشکیل شد و حالا هم کار خود را طبق برنامه ای که دارد (دکتر بقائی - انتخابات و طرز آن را بفراهمید) اجازه بفراهمید آقای نخست وزیر راجع این موضوع جواب دارند و خواهند فرموده شود جناب عالی مطمئن باشید آقای دکتر بقائی که انتخابات مجلس مؤسسان با بهترین وجهی انجام شده جوازی هم ما نداریم.

دکتر بقائی - آن قسم نامه را هم امضاء میفرمائید.

دکتر اقبال - بله بله

دکتر بقائی - اتخاذ سند میکنم جناب آقای دکتر اقبال آن قسم نامه من را امضاء میکنم (رأی - رأی) بنده طبق ماده ۱۰۹ اجازه خواسته ام **رئیس** - تأمل بفراهمید آقایان راجع بطالایی که اینجا در خصوص موقوفات کرمان گفته شده آقای دکتر بقائی باید صحبت کنند چون یک موضوعی بود که وارد بماده ۱۰۹ است و باید جواب بگویند آقایان گوش بدهید حالا با مجلس موافقت میکند که استفاده از ماده ۱۰۹ ایشان چون راجع بشخص ایشان است اظهار شود یا بعداً آقای وکیل هم طبق ماده ۱۰۹ اجازه خواسته اند.

باتمامتقلیح - بنده هم طبق ماده ۱۰۹ اجازه خواسته ام.

رئیس - آقای وزیر جنک بفراهمید.

وزیر جنک - بطوریکه آقایان محترم توجه فرمودند جواب استیضاح آقای حائری زاده و آقای مکی را بنده با تفصیل عرض کردم و دلیل وجهات توفیق آقای کاشانی را با استکاء بمواد قانونی توضیح دادم البته مطالبی را که بعداً آقای حائری زاده فرمودند یک قسمتش مربوط به همان جوابهایی است که داده شده و یک قسمتی را که بعداً اظهار فرمودند توضیح بدهم همانطوری که ملاحظه فرمودید بنده سعی کردم که مدارک و اسناد را همانطور که آقایان محترم خواهش کردند نخوانم حالا هم خیلی متأسفم چونکه نمیدانستم آقای حائری زاده تکرار میکنند والا میآوردیم بطور کلی اگر آقای کاشانی از حدود وظایف خودشان خارج نمیشدند مثل وجود محترم آقای آیتالله بروجردی مورد احترام و تنظیم همه آقایان بودند (صحیح است) بنده خاطر دارم که در بیست و چند سال قبل عده ای از آقایان علماء حضرت آیتالله آقای سید ابوالحسن - آقای نائینی - آقای شهرستانی از عتبات بایران تشریف میآوردند فرماندهی لشکر غرب را عهده دار بودند رفتن از مرز استقبال کردم البته همه طور مورد احترام افراد این کشور بودند با نهایت تجلیل تشریف فرما شدند به مرکز فرماندهی من وقتی که بهمدان تشریف آورده بودند مصادف شده بودند با آخوندی که در توفیق لشکر بود این آخوند متهم شده بود بکشتن یک زنی برای یک عشر ملک در خمین البته اشخاص مقصد رفته بودند توضیحاتی عرض کرده بودند و دسیسه و مصلحت کرده بودند باینکه لشکر نظر سوء دارد و این توفیق صحیح نبوده است و حالا بدادگاه احاله شده و ممکن است اعدام شود شما بخواهید از لشکر که او را مرخص کند و گفته بودند که لشکرها سایر اشخاص از مذاهب دیگر را مثل بابی و غیره مذک را مورد توجه قرار میدهند و این اشخاص که این عمل کرده اند و این آخوند را متهم کرده اند از این

قبیل اشخاص هستند، بظاهر دارم که صبح خیلی زودی بود که آقای آقا سید ابوالحسن اصفهانی شخصی را فرستادند نزد من که میخواهم یک ملاقاتی بکنم من گفتم که خودم خدمت میرسم و شرفیاب شدم خدمتشان در آنجا آقای آقا سید ابوالحسن، آقای نائینی و آقای شهرستانی هر سه تشریف داشتند فرمودند مهملاتی که مردم میگویند در این چند روزه ما گوش دادیم وقتی این آخوند مورد احترام بود که مرتکب قتل نمیشد (صحیح است) وقتی مورد احترام بود که بدادگاه تسلیم نشده بود وقتی ما از او طرفداری میکردیم که از حقوق خود تجاوز نکرده بود، شما هم رعایت این را نکنید که ما در اینجا هستیم صدرصد وظایفمان را انجام دهید، آخوند محاکمه شد و محکوم با اعدام شد و دوسه روز بعد هم حکم اجرا گردید ملاحظه میفرمائید آقای کاشانی اگر در حدود خودشان باقی میمانند و وظایف روحانیت خودشان تجاوز نمیکنند بلاتردید کسی مزاحم ایشان نمیشد الا برای آقایان عرض میکنم در بین کاغذهای من یک تلگرافی هست که میخوانم این تلگراف را خود آقای سید ابوالقاسم کاشانی کرده اند میگوید: جناب آقای سید مرتضی آراء (مکی) تکذیب میکنم رئیس ستاد اقباله، مصالح عالی مملکت مقتضی توقیف این خادمی شایسته بود در حال مقرر فرمائید در خرم آباد آزاد باشم قول قطعی بدهم هیچگونه مداخله و تخریکی میدهم. این امضاء ایشان است (مکی - این جرم است حالا) یعنی چه آقای کاشانی هر شب توی اتومبیل اشخاص معینی در نقاط معین ملاقات میکردند و تخریک میکردند بر علیه مملکت و در منزل خودشان روی منبر مردم را تخریک میکردند خیلی متأسفم که نیآوردم نوشته شده است که رئیس دولت را بگیرند و مجازات کنید این صحیح است که یک مجتهدی بالای منبر بر علیه رئیس دولت اینطور عبارات تخریک آمیز بنویسد شما میفرمائید این سندی را که بنده اینجا عرض کردم ده هزار تومان نبوده و سه هزار تومان بود ۷۵۰ تومان بقصاب ۸۰۰ تومان بشانوا بیست و نه نفر هم حواله داده شده بود پس این سه هزار تومان بود و خود این تلگراف حاضر است دلیلی نداشت که سه هزار تومان را ما ده هزار تومان بکنیم. راجع آقای خالصی زاده آقای وزیر کشور توضیحات کافی دادند و مربوط بارتش نبود و ارتش هیچ دخالت نداشت. راجع به ۲۰ هزار تومان بنده که چیزی نگفتم کی گفتم ۲۰ هزار تومان شما از خودتان گفتید من راجع به ۲۰ هزار تومان چیزی نگفتم (حائری زاده - جوابی بود که یک نفر داده بود) در هر صورت بنده راجع به ۲۰ هزار تومان چیزی نگفتم، علی ایحال آقای حائری زاده مطمئن باشید که نسبت بجناب آقای کاشانی کوچکترین عملی نشده، کوچکترین اهانتی نشده اینها فقط افتراء است سرتیپ دفتری هم یکی از بهترین افسران است (صحیح است) کوچکترین مداخله ای نداشت و اصلاً مربوط باو نبود اینکه گفتید مأمورین حکومت نظامی و شهر بانی رفته اند از زردبان بالا و مجدداً از زردبان بزرگشته اند در رفته دوم دیگر دلیلی نداشت گفته دوم از زردبان بیایند بالا وقتی داخل منزل شده اند در راه باز میگردند اینها هم دسیسه است اینها همه انتزیک است اما راجع باظهارات آقای دکتر بقائی بطوریکه نماینده کان محترم در خاطر دارند آقای

دکتر بقائی در طی ده جلسه استیضاح خودشان از دولت مطالبی اظهار داشتند که بلا تردید نصف این مطالب بطور مستقیم یا غیر مستقیم متوجه ارتش و ارتشیان میشد.

با اینکه بیشتر اظهارات ایشان بی اساس و عاری از حقیقت بود و بنده هم از لحاظ اینکه وقت گرانبهای مجلس شورای ملی روی مباحثه در اطراف غرضهای خصوصی و نظرهای شخصی تلف نشود از وارد شدن بجزئیات گفته های ایشان خود داری و بطور کلی اصول کارهای ارتش را بر عرض مجلس شورای ملی رسانیدم و معتقد بودم که برای دفاع از اظهارات بی اساس ایشان ذکر کلیات کافی خواهد بود ولی متأسفانه در شب آخر استیضاح آقای دکتر بقائی در طی بیانات خود و جمله زنده ای را متذکر شدند که بزرگترین اهانت و حق ناشناسی نسبت بارتش و ارتشیان بود.

و چون در آن موقع فرصت جواب نبود این است که امروز لزوماً مراتب ذیل را بعرض مجلس شورای ملی میرسانم.

اول آنکه آقای دکتر بقائی جنگهای ارتشیان را در کردستان با سایر نقاط استیضاح آور تعلق کردند. دوم اظهار داشتند که در بین ارتشیان دیکتاتور بوجود آمده یا خواهد آمد.

در قسمت اول نه تنها سی هزار افسرو درجه دار و چندین هزار سرباز از من انتظار دارند که از این اهانت بزرگ دفاع کنم (صحیح است) بلکه ارواح آن افسران و سربازان رشیدی که با کمال صمیمیت و صداقت در نقاط اقصی این کشور جان خود را نثار کرده اند در این اهانت ناروا و ناگوار از من خواستارند (صحیح است) من با آقای دکتر بقائی حق میدهم که اینطور با اهانت بکنند زیرا اگر در طی بیست سال اغتشاش و هرج و مرج کشور را که دامنه آن تا بیست و دو روزه شهرها امتداد داشت با دادن هزاران قربانی از بین نمیبردیم و امنیت و انتظامات بی نظیری در سراسر مملکت برقرار مینمودیم و عواید کشور را از گردول و عرب و عجم جمع آوری نمیکردیم و با اهدان عواید آقای دکتر بقائی برای تحصیل بارو با نمیفرستادیم (دکتر بقائی - شما: نتانید اعلیحضرت قفید فرستاد) امروز باین صراحت که به بارتشیان بی احترامی و اهانت نمیکردند. می دانم بطوریکه اکثر نمایندگان محترم شاهد استیضاح بنده هیچگاه عرض نکرده ام که ارتش نواقصی ندارد بلکه در هر موقع در طی بیانات خود متذکر شده ام که ارتش نواقصی دارد که در صدر دفع آن هستیم و امید کامل هم دارم که با توجه شبانه روزی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی فرمانده محبوب کل ارتش طولی نخواهد کشید کدر این قسمت کمال مطلوب بدست خواهد آمد. (نمایندگان - انشاء الله) ولی نکته ای را که بطور مسلم میتوانم اظهار کنم این است که معایب دستگاه ارتش صدی هشتاد کمتر از سایر دستگاههای کشور است. (صحیح است) بله! آقای دکتر بقائی من نی نهایت متأسفم که بقیعه خودتان دوستان شما و بقیعه من دشمنان شما اطلاعات ناقص و دروغی را بشما دادند و شما بدون توجه و تحقیق آنها را در پیشگاه مقدس مجلس شورای ملی اظهار داشتید (صحیح است) (دکتر بقائی - حتی راجع بیارانیها) و این اطلاعات بی اساس و غرض آورد را مستمسک قرار دادید که بتوانید بارتش بتازید در صورتیکه بهتر بود با استمداد ذاتی و معلومات کافی کداشید عملیات ارتشهای دنیارا از نظر میگردانیدید

و متوجه میشدید که سایر ملل برای برقراری انتظامات خود چه خسارات مادی و معنوی رامتحمّل شده و میشوند و ارتش ایران در اینصورت برای تأمین آسایش و امنیت این کشور از حاشیه سالی برادوست تادامنه های آزارات و در سرتاسر کردستان و لرستان و سایر نقاط هفا کاریهائی کرده است و از نظر مادی و معنوی چه تحمیلات ناچیزی رامتوجه کشور نموده است

ارتش ایران بسیار مفتخر است که در تحت فرماندهی اعلیحضرت شاهنشاه فقید موفق شد بدست خالی و بقیمت جان افسران و افراد خود بهترین انتظامات را در کشور بوجود بیاورد (دکتر بقائی - کسی منکر اینها نیست جواب مطالب مرا بفراهمید) تأمل بفراهمید تمام مطالب شما را جواب خواهم گفت و امروز باز افتخار میکنم که در تحت فرماندهی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمد رضا شاه پهلوی فرمانده معظم و محبوب خود دنباله همان وظائف سنگین را بنحو اکمل اجرا مینمایم و برای هر گونه فداکاری آماده و مهیا میباشد. درست بظاهر دارم که اعلیحضرت شاهنشاه فقید در یکی از جنگهای لرستان تلگرافی بافتخار بنده صادر فرموده بودند که جمله برجسته آن این بود « امیر لشکر غرب برای این فداکاریها و قربانیهائی که ارتش در راه مملکت میدهد تاریخ کشور صفحات جدیدی باز خواهد نمود »

آقای دکتر بقائی ما مفتخر باین تشویقات و قدرانیهائی بوده و هستیم نه بآن گفته های سرا پا بی اساس و توهمین آمیز شما (صحیح است) (دکتر بقائی - آقا مدرك ارائه دادم باید جواب آنها را بدهید اینها را رادبو هم چند روز خواهد خواند من مدرك ارائه دادم) تمام حرفهای بی اساس شما را جواب خواهم داد. (رحیبیان - به وکیل نباید توهمین بکنید بنده استدعا میکنم آقای رئیس که ایشان جنبه تعرض بوکیل را بخودشان نگیرند) (رئیس - گوش کنید آقا) اما در قسمت دوم راجع به آنکه ارتش دیکتاتور بوجود میآورد بنده هرچه گوش کردم نتوانستم بمقتضود اصلی آقای دکتر بقائی بیبرم.

در ارتشی که افسران و افراد آن بیاند و مطیع مقررات و قوانین انضباط هستند و در تحت نظر مستقیم رمانده عظیم الشان خود اداره میشوند چگونه ممکن است دیکتاتوری بوجود بیاید علاوه بر آنکه در اثر بذل و مساعی اعلیحضرت شاهنشاه فقید خوشبختانه فرهنگ کشور امروز بیبایه ای رسیده است که با وجود هزاران عنصر تحصیل کرده و روشن فکر دیگر تصور دیکتاتوری هم از محالات است (صحیح است) (دکتر بقائی العبدالله) آیا قضا از این سم باشد تا تولید نگرانی و تشویش از میان عامه است یا منظور متر زلز ساختن بگانه دستگاهی است که پایه حباتی مملکت روی دوش آن فراردارد؟ گناه سیهبد رزم آراء رئیس ستاد ارتش این است که شبانه روز خود را وقف خدمت بارتش و کشور نموده و دقیقه از انجام وظائف خویش غافل نمیشد؟ (صحیح است)

بنده که در طی کلیات عرض کردم رئیس ستاد ارتش مأموریت دارد از امر مطاع فرماندهی کل را بارتش ابلاغ و مراقب اجرای آن باشد در اینصورت دیگر ابهامی در کار ارتش باقی نماند که شما زحمات سیهبد رزم آراء را بناحق تمییر بخود - می یا دیکتاتوری مینمایید. (صحیح است)

باینکه نمیخواستیم با وارد شدن بجزئیات وقت گرانبهای نمایندگان محترم را اشغال کرده باشم ولی برای روشن شدن افکار عامه بجواب چند قسمت از بیانات آقای دکتر بقائی مبادرت میوزم.

۱- آقای دکتر بقائی اظهار کردند که سرابی هاشمی در ارتز دسیسه کاری همدریف سرهنک مهنتی تیره و از زندان خلاص شده.

دکتر بقائی - بنده خودم در مجلس اورا پس گرفتیم راجع ببقیه بفراهمید نه بنتها چیزی که خودم در مجلس پیش گرفتیم. (زنک رئیس)

رئیس - بگذارید با قاصحت بکنند که با شما بگوید **دکتر بقائی** - باید جواب همه را بدهند.

وزیر جنک - درست توجه بفراهمید هاشمی سرابی جزو مجرمین غائله آذربایجان و در دادگاههای نظامی آنجا محکوم با اعدام بوده و در نتیجه یکسره جتفیف که بعوم محکومین آنجا اعطاء شده مجازات او هم بجسب ابد تبدیل و الساعه در زندان قصر بسر میرد اگر باور ندارید تلفن را بردارید از شهر بانی سؤال کنید. نه همدریف سرهنک مهنتی مأمور دادگاههای آذربایجان بوده و نه در کارهای سرابی دخالت داشته است.

۲- آقای دکتر بقائی چندین مرتبه صریحاً گفتند که جان و مال و ناموس مردم این کشور بدست همدریف سرهنک مهنتی سپرده شده این اظهارات جز غرض رانی یا اعمال نظریهای خصوصی چیز دیگری نیست زیرا بطوریکه نمایندگان محترم استحضار دارند دادستانی ارتش بعهده یکی از بهترین و شریف ترین افسران ارتش یعنی سرتیپ بقائی محول (صحیح است) و او هم در حدود قوانین و مقررات ارتش انجام وظیفه میکند (دکتر بقائی - دادستان نظامی را توضیح بدهد) و ابداً تماسی با جان و مال و ناموس مردم ندارد پس بخوبی معلوم میشود که سایر اظهارات آقای دکتر بقائی از همین قبیل است.

۳- اما راجع باینکه آقای دکتر بقائی با آب و تاب زیادی اظهار داشتند که مطابق تصویرنامه دولت مبلغ ۶۲۵ لیره به سیهبد رزم آراء داده شده بنده بسیار متأسفم که این قبیل اظهارات بیبهره و کوچک آنها در مقام مهمی مانند مجلس شورای ملی جز تجفیف خود گویند نتیجه ای ندارد. زیرا افسرانیکه جزو هیئت بانگلستان رفتند با ۶۲۵ لیره از عهده مخارج خود بر نیامدند و حتی مبلغی هم مقروض شدند (دکتر بقائی - ایشان نرفتند بانگلستان) (زنک رئیس) **رئیس** - آقا شما که نمیگذارید گوش هم نمیدهید این طرز رفتار نیست.

دکتر بقائی - نه آقای رئیس آنوقت تمام میشود و میگویند جواب داد.

وزیر جنک - برای اینکه قسمت مهم این پول را درم کرجحت تهیه لباس و وسائل افسری آپرومندی خرج کرده بودند سیهبد رزم آراء هم در آنوقت جزو همین افسران بود و همین مخارج را برای تهیه وسائل مسافرت نموده بود منتها در آخرین موقع حرکت بعلت اهمیت اوضاع کردستان و بیماری فرمانده آنجا حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر گردید سیهبد رزم آراء مسافرت بانگلستان را تبدیل باموریت کردستان نماید و ایشان هم بکردستان رفتند و در سر دشت سمرق و بانه موقعتیهائی حاصل (صحیح است) و انتظامات آنجا را برقرار کردند و

از طرف دولت بجزیران مغارچی که سیهبد رزم آراء برای تهیه وسائل مسافرت بانگلستان نموده بود مانند سایرین ۶۲۵ لیره پرداخت شد اینهم هفت هزار ریال میشود (دکتر بقائی - راجع بدادستان نظامی نفرمودید) اما راجع بمخارج سری کدر عملیات کردستان از طرف دولت باختیار ایشان گذاشته شده بود صورت ریز و اسناد خرج اینمخارج پس از خاتمه عملیات آنجا برای دولت فرستاده شده و موجود است و چیزی نبوده کدر تصرف سیهبد رزم آراء باشد - بعلاوه صورت حساب این مخارج در نزد اینجناب هم موجود و با آقایان نمایندگان محترم ارائه میشود.

۴- مداخله واحدهای ارتش در انعقاد جشن ها راجع بانمطلب که آقای دکتر بقائی اظهار داشتند در اثر فشار مأمورین نظامی مردم ولایات و ادار شده اند بشکرانه سلامتی ذات مقدس شاهانه جشن بگیرند تصور میکنم تمام آقایان نمایندگان محترم با بنده هم عقیده باشند که این قبیل اظهارات نه فقط شایسته مقام نمایندگی ایشان نبوده بلکه برخلاف شئون ملی و احساسات همین خواهی و شاه پرستی قاطبه مردم آن کشور است (دکتر بقائی - یکدفعه دیگر نامه بنده را قرائت بفراهمید که تعریف نشود) زیرا ابراز چنین احساساتی از طرف مردم ایران در هیچ مورد و بهیچوجه احتیاج بفشار یا اعمال زور نداشته و ندارد ملت بزرگ ایران با امتحانات برجسته ای که در طول تاریخ از جوانمردی و نظر بلند خود داده است قطعاً از این قبیل اظهارات متأثر و رنجیده خاطر خواهد شد. و در اینقسمت هم باید گفت که ایشان فریب دیگران را خوردند و مطالبی را بیان کرده اند که بهیچوجه شایسته و پسندیده نبود

دکتر بقائی - موضوع دادستان نظامی آقای سرهنک مهنتی را بفراهمید.

وزیر جنک - دادستانی نظامی مطابق ماده ۲۵ قانون دادرسی ارتش حق اعلیحضرت همایونی است که انتخاب بفراهمید (دکتر بقائی - از بین افسران) البته در مواد دیگر هست که از افسران ارتش باشد ولی مطابق ماده ۲۵ اعلیحضرت همایونی حق دارند از غیر افسران بدادستانی انتخاب کنند (دهقان - آقای معاصر هم سابقاً بودند) (دکتر بقائی - معاون دادستانی نظامی را گفتیم) عرض کردم که اعلیحضرت همایونی مطابق ماده ۲۵ قانون دادرسی ارتش حق دارند انتخاب کنند. (صحیح است) این صورت مخارج ریزی است که دولت در اختیار سیهبد رزم آراء گذاشته است **جمال امامی** - لزومی ندارد خوانده شود.

دکتر بقائی - راجع بیارانیها توضیحی نفرمودید. **وزیر جنک** - با توجهی که ارتش بکارهای خودش دارد آنچه را که غفلت میشود آنچه را که درش بالاخره کوتاهی میشود بلا تردید افراد رانتیه میکنند در تمام دنیا هم اینطور است از خط مازیون که میلیارد و میلیارد فرانسویها خرج کرده بودند بالاخره قشون آمد و رد شد حالا فرض بفراهمید که یا صد دزد آمدند از چند کوه رد شدند (دکتر بقائی - در طول چند صد کیلو متر آمدند و رفتند) (رأی) (زنک رئیس)

۴- تعیین موقع و دستور جلسه آینده ختم جلسه

رئیس - عده برای رأی الان کافی نیست جلسه را ختم میکنم جلسه روز شنبه ساعت ۹ آقایان حاضر شوند.

(یکساعت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد) **رئیس مجلس شورای ملی** - **رضاحکمت**

شماره ۲۴۴۲ ح ۶۴۲۲ ۳۲۸ ر ۲۲۸
**بخشنامه بعموم رؤسای دادگاهها و
 رؤسای دادگستریها و
 دادستانهای استان**

با آنکه در بخشنامه شماره ۱۰۹۳۷ ح ر
 ۴۶۰۶ مورخ ۲۷/۱۱/۲۷ تذکر داده شده بود
 که رؤسای دادگاهها و دادگستریها باید شخصاً درسی
 را اداره نمایند و اگر عذر موجهی داشته باشند باید
 در صورت جلسه قید کرده و اشتغال بکار اداری هم عذر موجه
 محسوب نگردیده طبق گزارشهایی که میرسد بعضی از رؤسای
 دادگستریها مخصوصاً رؤسای دادگستریهای استان مدلول
 بخشنامه را بموقع اجرا نگذاشته و بعنوان اشتغال بکار اداری
 از اداره کردن جلسات دادرسی خود داری مینمایند
 این است که مؤکداً خاطر نشان میشود که باید مدلول
 بخشنامه مزبور را کاملاً رعایت نموده و کارهای
 مربوط بسرپرستی و نصب امین را هم تحت نظر و
 رسیدگی خود قرار دهند ضمناً هر ماهه آمار کارهایی
 که رؤسای مزبور شخصاً در آن شرکت نموده اند
 برای اطلاع وزارت دادگستری ارسال دارند .
 تخلف از این دستور موجب مسئولیت و تعقیب
 انتظامی خواهد بود . وصول این بخشنامه را هم فوراً
 اطلاع دهید . م - ۹۷۷
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۰۸۱۰۶۷ ۱۳۲۸ ر ۳۱
**آقای محمود حجت سردفتر اسناد رسمی
 شماره ۴ یزد**
 بموجب این ابلاغ دفتر شماره ۴ در شهر یزد برای
 ثبت ازدواج رسمیت میدهد .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۱۶۲۴۲۶ ۳۲۸ ر ۳۱
**آقای جواد شریعت زاده بقمچی سردفتر
 ازدواج و طلاق قریه بقمچ حومه مشهد**
 بموجب این ابلاغ قریه گاه هم بعد و صلاحیت
 شما افزوده میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمائید .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۶۸۲۶۹۶ ۱۳۲۸ ر ۳۱
**آقای علی نورائی نژاد سر دفتر ازدواج
 و طلاق گنج سر**

بموجب این ابلاغ بامعافیت از تصدی دفتر طلاق
 محل رسمیت دفتر ازدواج شما بشهر تهران تبدیل
 میشود طبق مقررات انجام وظیفه نمائید .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۷۰۲۶۹۷ ۱۳۲۸ ر ۳۱
**آقای اسمعیل یوسف مردوخی دفتر یار
 درجه اول کردستان**

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی
 درجه سوم قصبه دیوان دره منصوب میشود طبق
 مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۶۶۲۶۹۴ ۱۳۲۸ ر ۳۱
**آقای سید سلیمان جزایری سردفتر ازدواج
 و طلاق فارسان چهارم حال**
 بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی
 درجه سوم قریه فارسان منصوب میشود طبق مقررات
 مشغول انجام وظیفه شوید .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۹۲۲۱۰۰ ۱۳۲۸ ر ۳۱
آقای رضا ولائی سردفتر اسناد رسمی آمل
 نظر باینکه بر اثر گزارش واصله تحت تعقیب
 دادگاه انتظامی سردفتران واقع شده اید وزارت
 دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی
 تا خاتمه رسیدگی به تخلف شما در دادگاه نامبرده
 شما را از تصدی دفاتر اسناد رسمی معلق مینماید .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۹۰۶۱۹۶۰ ۱۳۲۸ ر ۳۱
آقای ماردیروس میناسیان کشمش تپه
 بموجب این ابلاغ دفتر شماره ۴ در شهر شاهپور
 برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد .
 وزیر دادگستری

شماره ۴۸۵۶۲۵۲۵ ۱۳۲۸ ر ۳۱
آقای سید مظهر علوی
 بموجب این ابلاغ دفاتر شماره ۴ در شهر سنندج
 برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد .
 وزیر دادگستری